

جواب نامه آقای ع. لوائی

دوست عزیزم آقای ع. لوائی کاغذ شما تحت عنوان (فضولی بجا) رسید. قبل از هر چیز اجازه میخوام بحضورت عرض کنم که دیر آمدی و زود میخوای بری داداش جون: من الان پنجاه سال است فضولم وهمه دنیا هم میدونن که نظر خصوصی با هیچکس ندارم تازه هنوز جرأت نمیکنم از فضولی بیجا یامو جلوتر بذارم تو تازه از راه رسیدی و قلمو دست گرفتی شروع کردی بفضولی اونهم فضولی بیجا الحق کلی بگوشه جمالت که رودست ما هم زدی.

باضافه اظهار تأسف کرده‌ای که ناچاری مرا بنام فضولباشی بنامی آخه فرزند عزیزم اینکه تأسفی نداره بنظر من خیلی هم جای شادمانی است. درست دقت کن من بنام اصلیم دارای شخصیتی هستم البته با بعضی اشخاص دوستم و ممکن است از عده‌ای هم نفرت داشته باشم ولی یقین بدان وقتی قلم دردست میگیرم و شروع بنوشتن میکنم شخصیت خود را بالکل فراموش نموده و باهیچکس حب و بغض ندارم و اگر از کسی یا چیزی تعریف یا تکذیب کنم مصالح شخصی و خصوصی درش دخالت نداره اینه که وقتی توی کتاب عالم یهود با شما حرف میزنم اون آدمی که عقبش میگردی نیستم بلکه همون فضولباشی هستم.

باری بچون عزیز خودت وقتی نومه ترا دیدم از خوشحالی توی پوست نمیگنجیدم. بیا به وقت هوا ورت نداره خیال بکنی از بس خوب نوشته بودی نه! برای اینکه میگن تو شهر کور ها یک چشمی بادشاه است.

اول گوش کن تا برات یک قصه بگم بلیکه مطلب واضح تر بشه. در زمون قدیم توی یک شهری تنبل خونهای بود که از طرف بلدیہ تبلیها را در آنمکان جمع نموده و پذیرائی میکردند در یکی از این شهرها روزی پیرمردی جهاننیده خدمت رئیس بلدیہ رفت و عرض کرد قربان حاتم بخشی شمایع شده که این عده بنام تنبل دست از کار و زندگی خود بکشند و سربار جامعه باشند اگر شما مخارج آنها را ندهید حتماً خودشان دنبال کار خواهند رفت و معاش خویش را تأمین میکنند.

رئیس بلدیہ فرمود اینطور نیست اینها تنبل هستند و اگر ما مخارج آنها را ندهیم حتماً خواهند مرد پیر مرد گفت کاری ندارد امتحان میکنم دستور بفرمائید آنها را ببرند توی یک خزینه حمام بنشانند بعد شروع کنند بگرم کردن آب اگر آب گرم شد و آنها از خزینه بیرون نیامدند معلوم میشود که اگر شما مخارج آنها را ندهید خواهند مرد و اگر برعکس از توی آب داغ بیرون آمدند معلوم میشود که بیجهت سربار همشهریهای خود هستند.

همین کار را کردند آهسته آهسته که آب گرم شد تنبلیا شروع کردند به بیرون آمدن تا اینکه آب نزدیک به جوش آمدن رسید فقط دو نفر توی خزینه باقی مانده بودند و تکان نمیخوردند. ناگهان یکی از آنها فریاد زد آهای سوختم. دیگری که حتی حس حرف زدن هم نداشت آهسته گفت دوست عزیزم بگو که رفیقم داره میسوزه.

حالا برادر عزیزم اجتماع ما هم تقریباً همینطور است همه طالب اصلاحات هستیم. همه میدانیم که تشکیلات مرتب و منظمی لازم داریم همه معتقدیم که بصندوق ملی آبرومندی احتیاج داریم وووووو لکن بغیر از عده معدودی هیچکدام حاضر نیستیم اقدامی بکنیم همه منتظریم که دیگری بکند و ما هم استفاده کنیم حتی عده زیادی اصلاً حاضر نیستند که بگویند چه میخوایم هی این دست و آن دست میکنند و منتظرند دیگران بگویند. خوشحالی من از این است که اقلاتو یکی پیدا شدی یکی آقای فضولباشی من هم در این مورد باتو همعقبه هستم لکن فلان نکته را هنوز توجه نکرده‌ای. اگر بنا باشد که من مرتب بنویسم و مردم بخوانند و بگویند به به چه پیشنهاد

سه شنبه ۵ سیوان
۵۷۰۶
بهاه ریال
قسمت
۳۸

خانه فروشی
یک باب خانه واقع - در خیابان قوام السلطنه به مساحت تقریباً چهار صد متر مربع دارای دودستگاه ساختمان قدیم و جدید - سه طبقه - هر طبقه با تمام لوازمات - لوله کثی آب و برق دارای تلمبه برقی - ۱۵ اطاق وزیرزمین فروخته و یا با خانه وزمین کوچکتزی معاوضه میشود.
طالبین به چهارراه یوسف آباد چاپخانه بوستانی رجوع فرمایند.

خوبی و کنار بیاندازند زهی بدبختی من هم باید با شاعر شیرین زبان نظامی عروضی همصدا گشته و بگویم:
در دلیم آید که گنه کرده ام
چون ورقی چند سیه کرده ام
برعکس من متوقع هستم هر وقت خوانندگان گرامی پیشنهادی بنظرشان پسندیده آمد اگر در صدد عملی کردن آن برنی آیند اقل بگویند ما با تو همعقبه هستیم و هر وقت پیشنهادی بنظرشان غلط و غیر قابل اجرا بود تذکر بدهند و بگویند این مطابق عقیده ما نیست مثلاً وقتی من پیشنهاد کردم که باید انجمن گایه‌یان صورت جلسه خود را بسمع جامعه برساند همه گفتند به به واقماً چه پیشنهاد خوب و بجائی است اما تاحالا که بیشتر از و ماه میگذرد و هنوز انجمن جوابی نداده و نشنیده گرفته هیچکس صدایش در نیامد که بگوید بابا چرا جواب فضولباشی را ندادید. ما هم بایشهاد او موافقیم و میل داریم بدانیم شماها چه خدماتی برای ما انجام میدید تا لااقل از تان قدر دانی کنیم
چون مطلب طولانی شد بقیه را به بعد موکول میکنیم - تا هفته آتی خدا نگهدار شما
فضولباشی

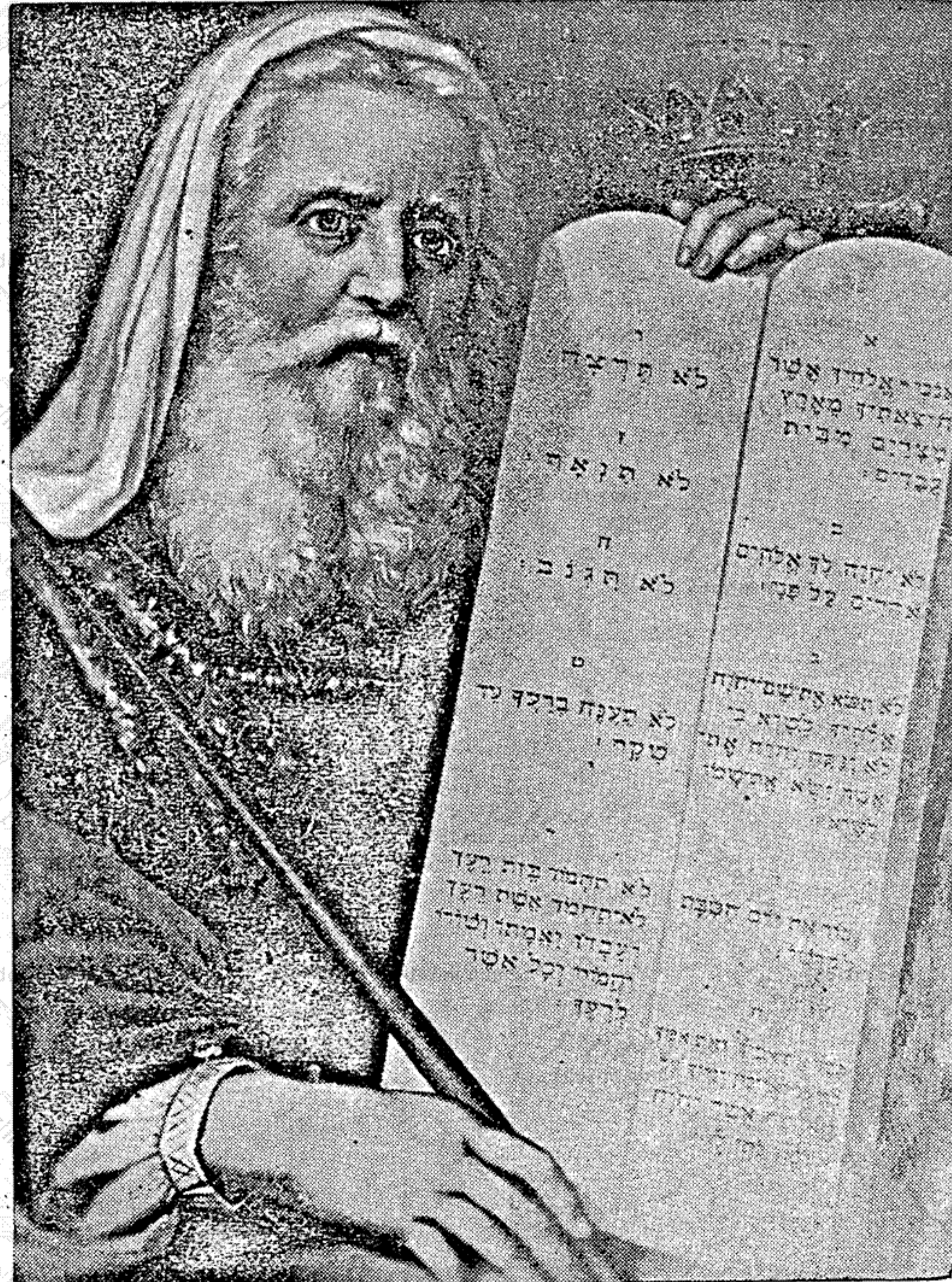
نبریکات صمیمانه خود
را بمناسبت حلول عید
سعید «شاپو هوش»
که یکی از اعیاد بزرگ
یهودیان است
بعموم اسرائیلهها ،
خصوصاً خوانندگان
گرامی تقدیم میداریم
«عالم یهود»

باید از وضعیت هفته اخیر عالم یهود راضی بود بنظر میرسد که جریان اوضاع موافق دلخواه آقای فضولباشی بوده و در این هفته مطلب تازه برای فضولی پیدا نکرده اند امیدواریم که کارها طوری رو براه شود که دیگر فضولباشی لازم نداشته باشیم.
«عالم یهود»

عالم یهود

نشانی دفتر
تهران
خیابان سه مقابل پستخانه
عنوان تلگرافی
«هاعولام»

عالم یهود



تمثال حضرت موسی (ع)
با لوحه ده احکام

شابوعوت - یا - جشن قانونگذاری

میگیرد. زیرا آن قوانین نه فقط منحصرأ برای قوم یهود بود بلکه برای هدایت جامعه بشری تدوین گردیده بود.

بنا براین نام آن مجموعه قوانین را «توراة» (تعالیم اجتماعی) نهادند.

اصولاً بشر در طلب عوامل و وسایلی است که سعادت و آسایش او را تأمین نماید. ولی چون بشر دارای طبع سرکش است و توقعات و تمایلاتش زیادتیر از حدود توانایش میباشد لذا برای تعدیل سرکشی طبع و توقعات زیاد از حد، قواعد و قوانینی روی کار آمد. اما آنچه مورد انتظار بشر است که بتواند ضامن سعادت او بشود قوانین خوب است زیرا یکی از بهترین و مؤثرترین وسیله خوشبختی بشر قوانین و قواعدیست که بمنظور حفظ منافع اکثریت افراد جامعه وضع شود.

قوانین بشری که نتیجه طرز تفکر و تشخیص قانونگذاران است اکثر فقط بمنظور حفظ مصالح و منافع عدهای تدوین شده است که قویتر بوده و یا توانسته اند برفع خود در وضع آنها اعمال نفوذ نمایند.

بنابراین چنین قوانینی توانسته است برای مدت مدیدی پایدار بوده و حافظ حقوق و ضامن سعادت تمام جوامع بشری گردد.

فقط قوانینی توانسته است تا اندازه ای از حقوق اجتماعات دفاع کند و حق هر کس را نسبت به استعداد و لیاقتش بدهد که از منبع حقیقی تلقین شده و از طرف قانون گذارانی وضع شده باشد که در داخل توده های بد بخت کثیر جامعه وارد بوده و با تیره گی روز و بیچارگی مردم بدبخت تماس داشته باشد. قوانینی که بنام قوانین الهی نامیده میشود چون بوسیله اشخاصی موسوم به پیغمبر مردم ابلاغ شده است که از طفولیت با مردم محروم و اسیر ورنجیر و زحمتکش بزرگ شده اند لذا بیشتر برفع اکثریت افراد جامعه میباشد و از این لحاظ است که قوانین الهی را بنام های مختلفه بایه و اساس دینیات قرارداده اند و آنها را مقدس میدانند.

کتاب قانون یهود که اساس قوانین مدنی و دروس اخلاقی و اجتماعی عالم انسانی بود و هست تا آنجائیکه بدست مجریان لایق و طرفدار توده های ملت سپرده شده بود و برفع اکثریت مردم اجرا میشد بهترین وسیله ترقی و عظمت ملت یهود بود. ولی پس از اینکه عده ای خائن و جاه طلب اجرای آنرا در دست گرفته و برای حفظ منافع خود و عده ای معدود حقایق و معنی آنرا برخلاف واقعیت تعبیر نمودند و مات را رو به گمراهی بردند زوال، بدبختی، خونریزی، واقراض، و اسارت نصیب ملت یهود گردید.

هنوز نیز پس از قرنهای تجربه های تلخ، این قانون نامه بنام دین در دست عده ای مفتخوار و نالایق و طماع افتاده است که بجای هدایت و ارشاد مردم و بجای تعلیم اخلاق و روشن نمودن حقایق و تشویق افراد ملت بنحدمتگذاری و نوع پرستی، مردم غافل و بی اطلاع را

بقیه در صفحه ۶۳۷

عید شابوعوت که در روز ششم ماه سوم بهار واقع شده است و عوام آنرا عید گل مینامند بنظر عده ای که جویای حقایق نیستند و همیشه بظاهر و تشریفات میپردازند عبارت است از روزی که برای بهار جشن میگیرند و در آنروز با خوردن شیرینی و بگردش رفتن تشریفات آن عید را برگزار میکنند. عده ای دیگر که فهمیده تر و قدری بحقیقت نزدیکترند میدانند که این عید روزی است که جامعه یهود بداشتن کتاب توراة مفتخر شده است و اینان فقط این عید را از لحاظ عقاید مذهبی میگیرند و با خواندن سرودها بدون توجه به واقعیت و ماهیت آن عید خود را راضی و شاد میگردانند.

البته از روی عقیده و ایمان به رسوم و آداب ملی و یامذهبی علاقمند بودن پسندیده است ولی احسن اینستکه شخص، بامنطق و استدلال واقعیت و ماهیت هر امر و موضوعی را در نظر بگیرد و در اطراف آن با اجرای تشریفات لازمه بپردازد.

قبل از قیام موسی (ع) بر علیه استبداد فرعون و پیش از جمع آوری ملت یهود هرج و مرج و ظلم و تخطی و تجاوز بحقوق یکدیگر سراسر جهان را فرا گرفته بود بهمین علت اشخاص از دست یکدیگر درمان نبودند.

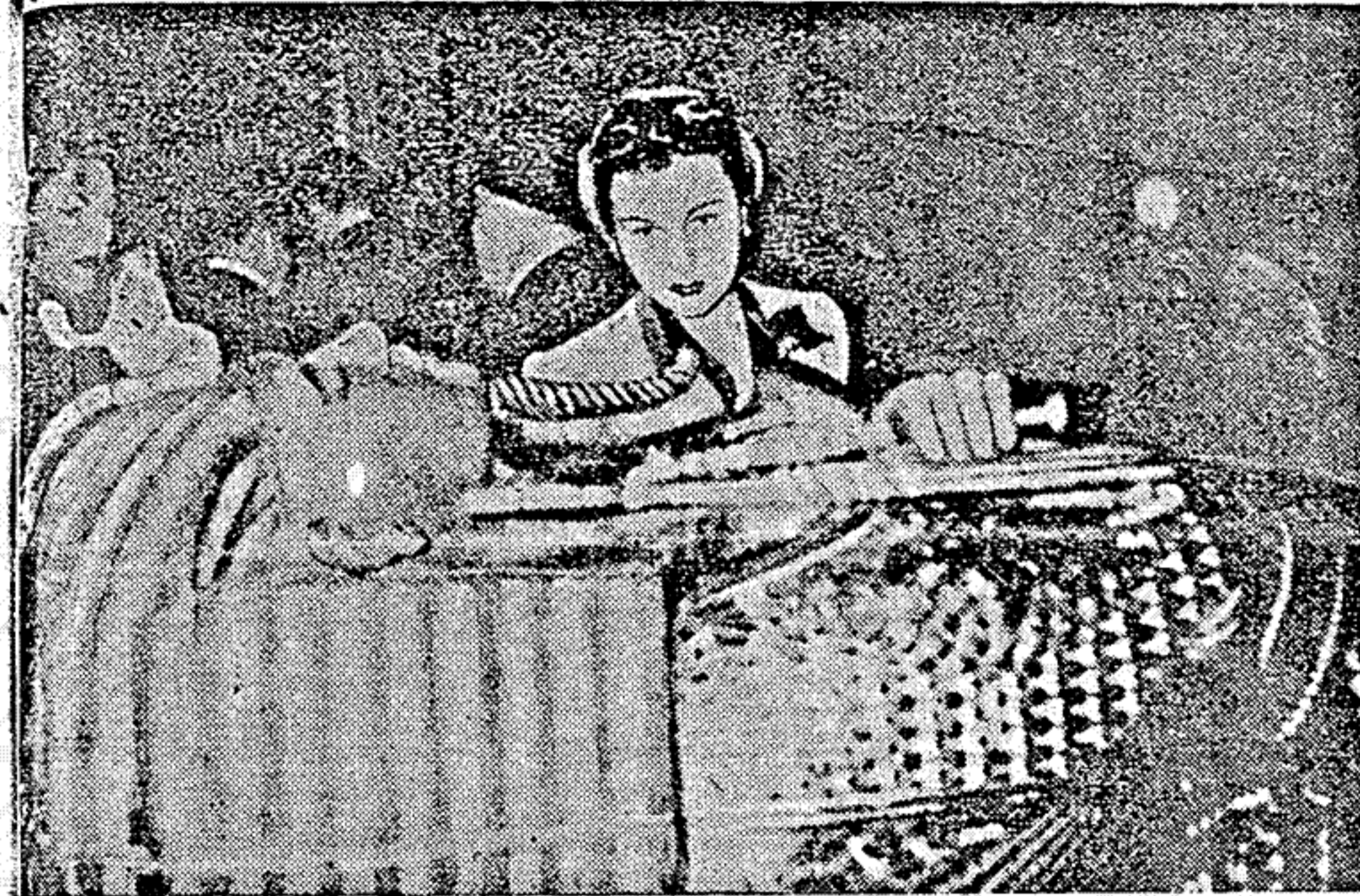
هر اندازه تمدن و رشد اجتماعی اشخاص پیش می رفت بشر روشن تر میشد و بر مفاسد اوضاع خود بیشتر آگاه میگردد و برای نجات خود از زوال و هرج و مرج خود را محتاج وسائلی میدید که بتواند اجتماعات را رهبری و از تجاوز دیگران جلوگیری کند.

اولین جامعه ای که باین نکته پی برد جامعه یهود بود که در تحت رهبری شخص با اراده و رشد و توانائی چون حضرت موسی (ع) با در مرحله رشد اجتماعی نهاد.

پس از خلاصی از چنگال بیدادگری فرعون قوم یهود خود را نیازمند همان وسایلی دید که بتواند نظم و آرامش و رضایت و آسودگی خاطر بیخشد و او را بسر منزل تعالی و ترقی هدایت کند.

بنابراین پیشوای قوم یهود موسی (ع) برای تکمیل قیام و نهضت خود و تأمین سعادت بشری و تضمین نتایج نیک حاصله از رهبری خود به تدوین قوانین اجتماعی، اخلاقی، جنگی، بهداشتی، و سیاسی که از جانب حق تعالی الهام میگردد پرداخت. روزیکه مجموعه آن قوانین تکمیل گردید و قوم یهود تشخیص داد که میتواند در نتیجه اجرای آن قوانین بمقصد عالی خود برسد و برای جامعه بشری نمونه کامل رهنما و هادی گردد و خود را برای پذیرفتن آن قوانین آماده کرد روز ۶ سیوان بود.

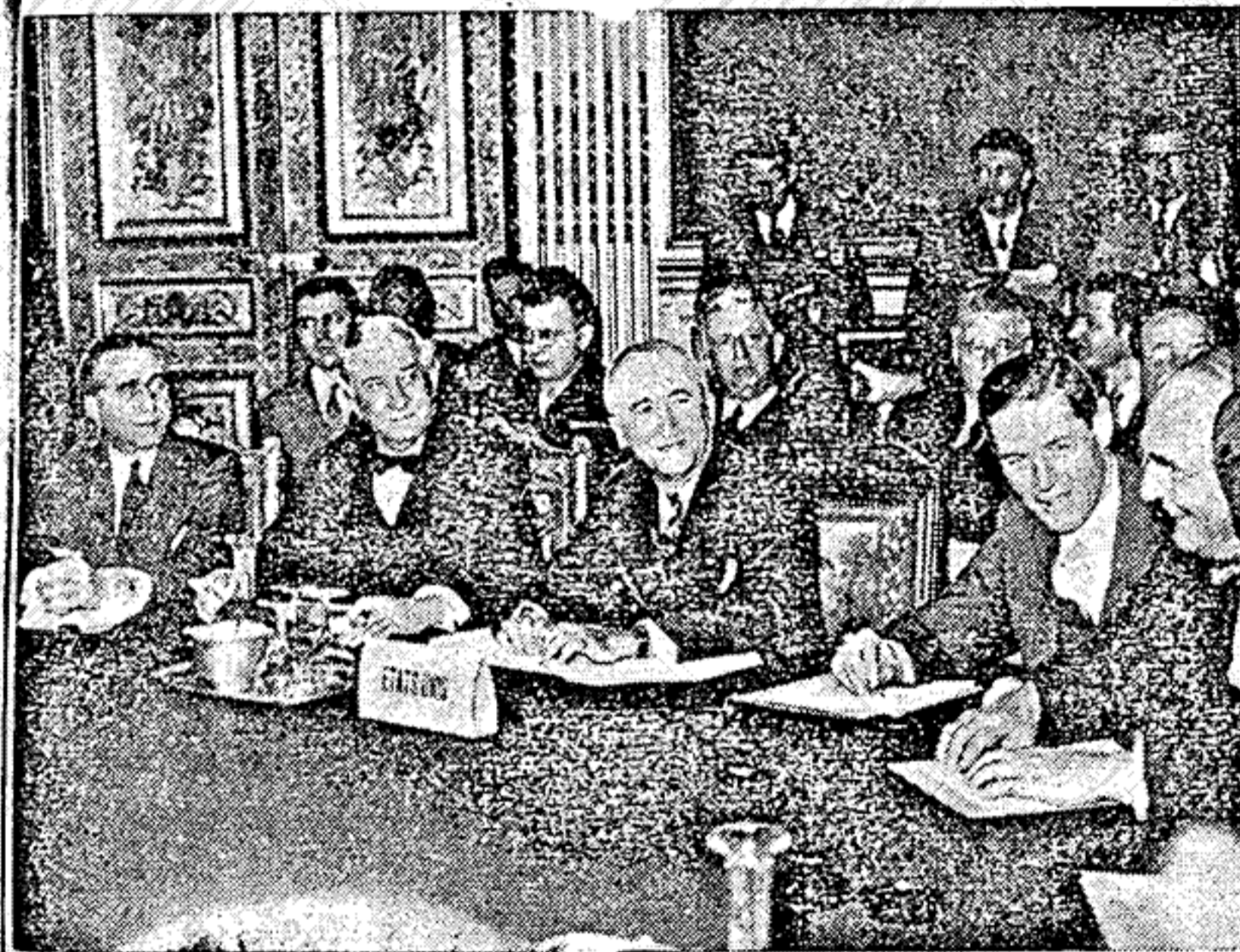
چون آن قوانین کافی بود که قوم یهود را به حقوق خود و دیگران آشنا کند و او را تربیت نماید و تعلیم دهد و با اجرای آن نسبت به مملکت در کمال چهل و غفلت بسر میبردند بر شد عقلی و اجتماعی نائل گردد. لذا آنروز را روز فرخنده و مبارکی دانستند و با افتخار رسیدن بچنین موهبت گرانبهایی در آنروز مقدس عید و جشن



بطوریکه خوانندگان اطلاع دارند، علیاحضرت ملکه نوزبه مدتی است که در مصر تشریف دارند و بمعالجه میردازند. عکس مقابل ایشان را در موزه مصر، برابر جسد مومیائی (لاتوت عنخ آمون) فرعون مشهور مصر نشان میدهد. و چنانکه قبلاً خبر دادیم انجمن وزیران خارجه چهار دولت درباریس تشکیل گردید تا روی مصالح و منافع نوع بشر بذاکره پردازند متأسفانه از این کنفرانس نتیجه ای بدست نیامد، بلکه بریچیدگی اوضاع سیاست افزوده گردید.

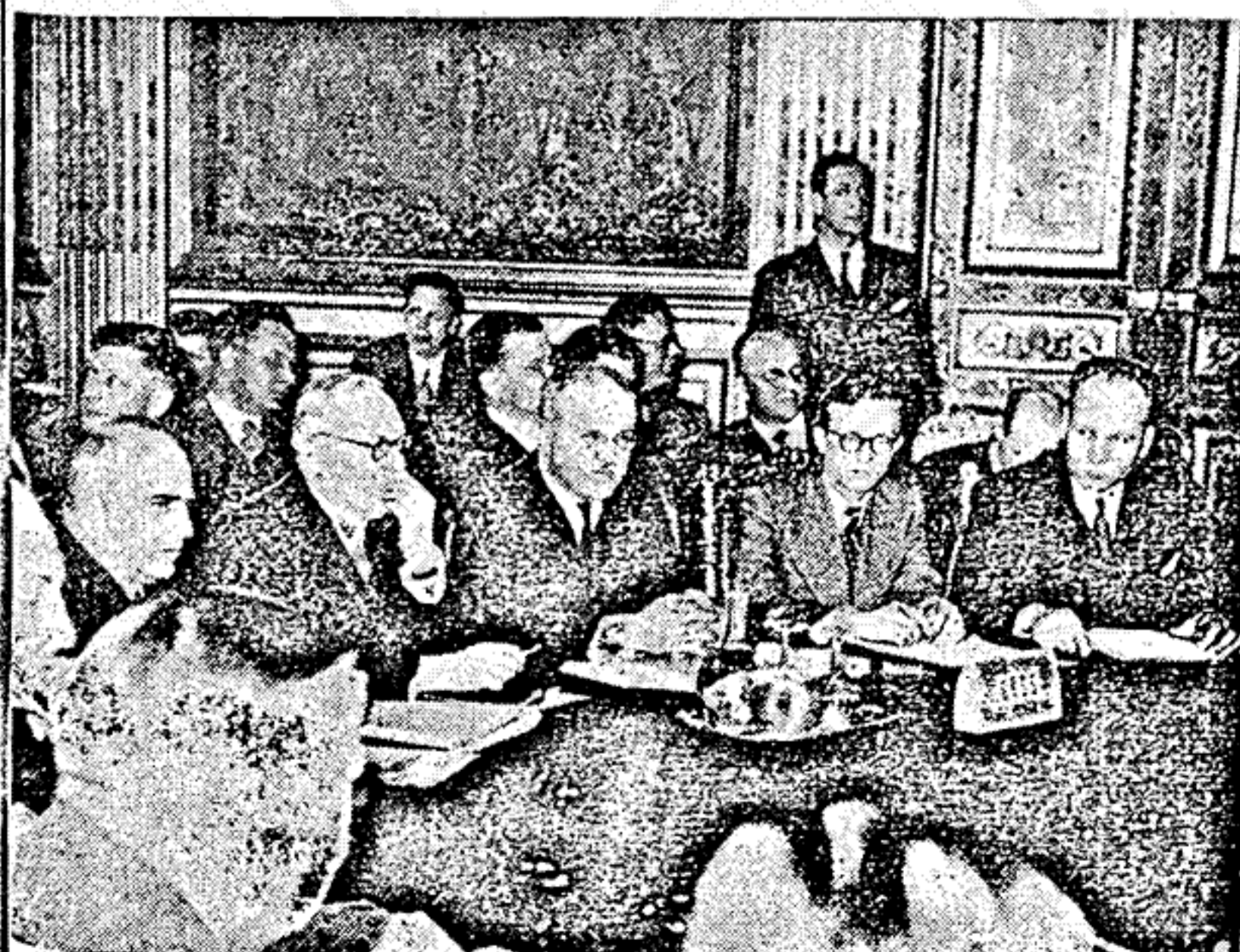
عکس ست چپ (دوم) هیئت نمایندگی آمریکا و عکس سوم هیئت

نمایندگان دولت شوروی در انجمن پاريس را نشان میدهد نا گفته نماند که پس از عدم سازش بین وزرای خارجه چهار دولت و بهم خوردن کنفرانس پاريس، معاوین آنها مشغول کار میباشند تا شاید راه حلی پیدا کنند.



فهرست مندرجات

صفحه	عنوان
۶۲۷	شابوعوت
۶۲۸	بحث و انتقاد
۶۲۹	اختلافات منجمی - تعلیمات اخلاقی یهود و اسلام
۶۳۰	آب دنیای یهود
۶۳۱	«عالم»
۶۳۳	«آلیانس»
۶۳۳-۶۳۴	«داخه» جوانان هنرمند
۶۳۵-۶۳۶	ماجرای مسعود
۶۳۸	تاریخ مختصر یهود - مادر یهودی
۶۳۹-۶۴۰	حفریات اخیر در فلسطین
۶۴۱	مقالات وارده - پاسخ انجمن روحانی
۶۴۲	چرا میخواهم آموزگار شوم - زن
۶۴۳	آقای فرهنگ رین
۶۴۴	مسابقه ها



تقویم هفتگی

سیوان ۵۷۰۶	خرداد ۱۳۲۵	۱۹۴۶
۳ شنبه	۵	۴
۴ «	۶	۵
۵ «	۷	۶
آدینه	۸	۷
شنبه	۹	۸
۱ «	۱۰	۹
۲ «	۱۱	۱۰

صحبت های خودمانی با آقای فرهنگ ریمن

هریک از مسائل بزرگ جهانی با مساعی و پشت کار حل و تصفیه میشود حتی مسئله اتوم حل شد ولی مسئله «یهود» همچنان لاینحل باقی است. یهودی اگر فقیر و بی چیز است «کشیف» و ناقل میکروب است؛ اگر غنی و مالدار است غارتگر و مرتجع است اگر فکلی است ناچار جاسوس است و اگر ریش دار است ملا و مفتخور. در کشوری که مذهب وسیله اعاشه متنفذین است یهودی نجس است جایکه مذهب از سیاست تفکیک است یهودی را در معقولات راه نیست. برای دریافت مالیات اول نام بزاز و خرازی فروش یهودی ضرب المثل است. در سرباز گیری آقای رئیس حوزه اول بچه یهودی را به سربازخانه میفرستد. در سربازخانه آخرین فردی که جبره میگیرد او است. با سنگ توده عوام مجروح است و با زهر قلم و بی انصافی «روشنفکران» پریشان و افسرده اگر بخواهد با خرافات و بدبختی و جهالت و عقب ماندگی جامعه خود مبارزه کند روزنامه دست راست بقطع زبان تهدیدش میکند. وقتی که با صهیای منشور ملل متفق سر کبریا با اشتیاق قدم برای یسرفت تمدن جهانی بر میدارد مورد شکنجه حزب «ناسیونال سوسیالیست» واقع میشود. بلز جمله خود را تکرار میکنم - یهودی بودن و در دنیا زندگی کردن کارواقعا مشکلی است.

آقای فرهنگ ریمن زمانی که هنوز «ناسیونال» نشده بودند در همین نشریه با حرارت و اشتیاق نوشتند «این اقلیت بازی را کنار بگذارید» امروز که بجزب ایران پیوسته اند «ممنوعیت ورود یهودیان و ارامنه را بجزب ایران مبتنی بر اصل (ملیت) میدانند» معلوم میشود کلمات قالب معانی نیست و هر کلمه در هر مورد بنا بسبب کوبنده معنی بخصوصی دارد من برای نویسنده محترم در گذشته حزب را تعریف کردم ایشان این تعریف را قبول دارند ولی عقیده ندارند باینکه تفکیک طبقات از یکدیگر با عوامل زندگی بستگی دارد نه با عقیده مذهبی من شخصاً معتقدم که آقای فرهنگ ریمن وقتی مقاله سم پاشی را مینوشتند خودشان بحال یک مشت یهودیان ایران رقت میکردند و یقین داشتند که استدلالشان خیلی بی پایه و سست است من را به لفاظی متهم کرده اند ولی خودشان در لفاظی کت بنده را بسته اند - ناچار برای استحضار آن قسمت از خوانندگان که معنی «ملیت» را نمیدانند باید ملیت را هم تعریف کرد (آقای ریمن بهتر از بنده میدانند).

«ساکتین یک حوزه جغرافیائی که از حیث زبان - عادات و رسوم عوامل اقتصادی - فرهنگی - سیاسی با هم اشتراک تفکر دارند ملت خوانده میشوند» اگر این تعریف را قبول ندارید از همین جا جدا شویم شمارا بخیر و ما را بسلامت و اگر این تعریف صحیح است بفرض اینکه جامعه یهودیان ایران تاکنون خدمتی بایران ننوده باشند از افتخار ملیت ایران محروم نشوند خیلی از قبایل و افراد هستند که خدمتی بایران ننوده اند و شما آنها را ملت میدانید این چه جور استدلال است شما گفتید اهل تجزیه و تحلیل هستید شما گفتید اگر حزب ایران ناسیونال سوسیالیست است از این

اختلافات مذهبی

بر اهل علم و تحقیق پوشیده نیست که ملت اسلام و یهود نه فقط هم نژاد و از یک ریشه میباشند بلکه اصول و اساس مذهبی آنها نیز با هم توافق کامل دارد ولی متأسفانه تاریخ نشان میدهد اختلافاتی که گاه گاه بین این دو برادر وجود آمده بیشتر در جامه مذهبی جلوه گر شده است.

تپیه کننده: ر. خالیری

تعلیمات اخلاقی یهود و اسلام

۱- احترام یهود: دلیل این مطلب واضح است زیرا که این اختلافات زاده سیاستی بوده و هست که عده معدودی بمنظور تأمین نظریات شخصی و یا منافع اختصاصی خود رنگ مذهبی بآن داده و آتش این اختلافات را دامن زده اند حال چرا این ماجرا جوین سیاسی بین انواع و اقسام سیاستها سیاست مذهبی را برای خود گردیده اند خود مبحث جداگانه است بسیار طولانی که فقط یکی از علل آن را اینجا بیان مینماید: همه میدانیم که ملل مشرق زمین عموماً و بالاخص جماعت اسلام و یهود برای مذهب یک نوع اهمیت خاصی و کلی قائلند و مذهب را یکی از بزرگترین مواهب آلهی دانسته و باین اصل مسلم معتقدند که «مذهب» و اصول اخلاقی آن جامه روح انسان است» حق هم همین است زیرا «آنکس که فاقد عقاید مذهبی است جاهه برتن ندارد»

۱- هر کس حرمت پیر مردی را بشناسد او را بواسطه سنش تکریم کند خدا از ترس قیامت مصونش میدارد تعظیم مؤمن سفید موی تعظیم خداست و از ما نیست کسیکه خردان را رحم نکنند و پیران را تعظیم ننمایند (حضرت رسول ع)

۲- پادشاه را برای نیرومندی و دانشمند را بیاس دانش و نیکمرد را برای نیکی و سالخورده را بیاس پیری گرامی میدارند. (حضرت علی ع)

همین علاقمندی ملل اسلام و یهود ب مذهب باعث گردید که تاکنون نودن ذهن مذهب را بوسیله مشرب و تلقین مذهب در مقابل مذهب دیگر از پیش ببرند. متأسفانه چون طبقه عوام قادر بتعقیق و جستجوی طریق ثواب نبوده و نمیتوانند صحت و سقم مباحث را درک نمایند بدین جهت بدون آنکه خود ملتفت باشند کور کورانه و عوامانه تحت تأثیر سیاستهای غرض آلود قرار گرفته و بنام اختلافات مذهبی کینه و عداوت یکدیگر را در قلب خود جای میدهند در صورتیکه چنانچه با نظر تعمق به اصول و آئین این دو مذهب (اسلام و یهود) بنگریم متوجه یک نکته مهم و اساسی خواهیم شد و آن اینست که: «اصول مذهب اسلام و یهود یکسان و یا لاقلاً بسیار بهم نزدیکند» نویسنده کترین برای متوجه نمودن ذهن بعضی از برادران مسلمان

و یهودی خود که تصور مینمایند تفاوتهای فاحشی بین مذهب مقدس اسلام و آئینهای مذهبی و اخلاقی یهود موجود است تا آنجائی که در دسترس بوده است. «تعلیمات اخلاقی و دینی اسلام و یهود» را گرد آورده و در معرض توجه عمومی قرار میدهد و امیدوار است با توجه بشکات و مفهومی تعلیمات و آئین های مزبور آن نظرهای بدینی که در دیده بی تحقیق بعضی از برادرها موجود است بر طرف شده و این دو برادر بدانند بدون شک و تردید برادر قنی یکدیگرند.



بزرگان یهود را بشناسید

سر تیپ ف ۵۰۵۰ (قیس) ۱۸۸۸ - ۱۹۴۳
رئیس هیئت عامله صوبینسم فلسطین - مدیر قرن قیمت اسرائیل و سر-مهندس سیاه هشتم نیروی انگلیس بوده که در آزادی خدمات برجسته اش بصوبینسم و جانبازی دلیرانه اش در ارتش انگلیس سزاوار است که با خرید یک قسمت از زمینهای ارض اسرائیل و تأسیس کلنی برای استقرار سربازان یهودی که اخیراً اسلحه بر زمین گذارده اند و اسم گذاری بنام او یادگاری جاودانی از وی باقی گذارند. فرستنده آبادان داود - میزرا حی

از سخنرانی های اخلاقی، مذهبی و اجتماعی که در شبهای دوشنبه توسط انجمن روحانی درسالن کنیسیای ملا حنیفا منعقد میشود استفاده نمائید

روت و ناعمی
بشم: س. حیم
روزهای ۳۰ خرداد و اول تیرماه در کلوب سینمای



اورشلیم - روزنامه (ها آرس) مینویسد: آقای دکتر سته عضو هیئت عامله آژانس یهود در مینیک اخیر صیونست های تلاویو بیانات زیر را ایراد نمود:

موضوع کشور یهود مسئله ای نیست که درباره آن چکش کردن روا باشد. ما باید بر تمام دنیا فشار یاوریم که این گزارش را عوض کنند بهمان ترتیب که این گزارش موضوع کتاب سفید سال ۱۹۳۹ را اصلاح کرده. ۰۰۰ از کجا مطمئن توانیم شد که این گزارش حقیقتاً اجرا خواهد گردید؟ هر قدر که دولت انگلیس برای قبول و اجرای آن تامل کند بهمان اندازه هم لیدر های عرب تشویق میشوند که بیشتر بد رفتاری کنند

تیپ مستقل یهودی و تحریم کالای یهود از طرف اعراب
تمام سربازان یهودی فلسطین که زیر اسلحه اند در اواخر ماه اوت خلع سلاح خواهند شد این دستور که طبق تصمیم مقامات نظامی انگلیسی صادر شده شامل تیپ مستقل یهودی هم میشود. در یکی از کنفرانس های مطبوعاتی (دی کبر بر ناردیوسف) معاون اداره سیاسی آژانس یهود که در غیبت آقای موشه شرتوک وظایف او را انجام میدهد اظهار داشته که « آژانس اقدامی در نزد دولت بعمل آورده و تقاضا نموده که افراد تیپ مستقل یهودی تحت پرچم باقی بمانند »

دولت انگلیس اعم از مقامات لندن یا مقامات اورشلیم هیچ اقدامی برای حل مسئله تحریم کالای یهودی از طرف اعراب بعمل نیاورده است.

تأسیس محضر عالی اسرائیل در فلسطین
در کوچه کینک جرج در اورشلیم زمینی در مجاورت عمارات اسرائیل خریداری شده و در نظر است عمارتی در آن ساخته شود که جایگاه ادارات ربان بزرگ فلسطین و دادگاه بزرگ ربانی باشد.

درمدرسه کشاورزی میقوه اسرائیل
در سال تحصیلی ۱۹۴۴/۴۵ یکصد و بیست و شش نفر از مدرسه فلاحتی میقوه اسرائیل دیپلم گرفته اند ۹۱ نفر آنها که در ماه سپتامبر فارغ التحصیل شده اند همه از اهل فلسطین بوده اند که بشهر ها و دهات خود مراجعت نموده و مشغول آباد کردن کلبی های آن نقاط هستند.

مدیر مدرسه نامبرده (میسو کراوس) گزارش میدهد شاگردانی را که اینجا تربیت یافته اند اشخاصی بار آورده ایم که مردکار و زحمت بوده و از هیچ نوع زحمتی رو گردان نیستند... از همه بیشتر سعی کرده ایم که کشت و زرع در زمین های کم بزرگ با آنها تعلیم دهیم و جدیت داشته ایم باینکه از خود ابتکاراتی بخرج دهند و مخصوصاً روح فداکاری را در نهاد آنها کاشته ایم و امیدواریم که از بهترین افراد کارکن باشند که هم بفع خود وهم بفع کشور خود بوده وهم مایه افتخار مؤسسه ما بشوند.

روزنامه فلسطین پست میگوید
« هیچکس از این گزارش راضی نیست و هنوز هم رویه دولت انگلیس نسبت به آن مشخص نمی باشد و تصمیمی اتخاذ نشده است »
روزنامه داور اطلاع میدهد
که بعضی انتشار گزارش فوراً قیمت زمین ۲۰ - ۳۰ درصد تنزل کرد و از اینجا معلوم میشود که کیسیون مقررات مربوط به استغلات را ظالمانه تشخیص داده است.
تل آویو - روزنامه (هشتیف)
مینویسد که علت اصرار مستر آتلی باینکه نیروی نظامی و مالی امریکا در موضوع اداره فلسطین و اعزام یکصد هزار یهودی باید شرکت کنند این است که میخواهد هم ب انگلیس ها و هم ب امریکائیها بفهماند که نقشه اعزام این اشخاص ب فلسطین چقدر مواجه با اشکال است البته این حرکت خیلی توأم با زرنگی است زیرا اگر امریکائیها موافقت نمایند که نیروی نظامی خود را برای این کار در اختیار گذارند انگلستان نفسی براحتی خواهد کشید زیرا حضور نیروی امریکا در فلسطین تضمین خوبی برای تکیه گاه های انگلیس در خاور میانه است و در مقابل آن دادن یک صد هزار گواهی نامه چیز خیلی کم ارزش و کم اهمیتی است و حتی اگر امریکا حاضر باشد کمک مالی بکند و بقیه امر را بعهده سازمان ملل متفق وا گذارد باز هم برای انگلیس ها بد نیست زیرا این خود یک تأخیری در کارها فراهم خواهد آورد و چون پنج کرسی عرب در سازمان هست با این یکی ۶ تا میشود -

روی همین سیاست و حقه بازی است که مخبر روزنامه تایمز از مسکو خبر داده که دولت شوروی در زیر ویزن کانونی برای اسرائیل روسیه آباد کرده و اسم آنرا (فلسطین شوروی) گذارده و اطلاعاتی هم که در این خصوص داده کاملاً صحیح نیست بعلت اینکه در میان اهالی آنجا تقریباً یکصد هزار نفر غیر اسرائیل یافت میشود.

روزنامه هصوفه مینگارد - اگر اعراب طریق حل مسالمت آمیز قضیه را کنار گذاشته و بخواهند متوسل بجنک و قوای قهری شوند بعلت اینست که مستر آتلی در نطق اخیر خود گفت و آنها هم استنباط کردند که (تعرض ارزش دارد)

تل آویو - ۲۲۰ه سرباز سابق در مهمانخانه فلسطین محلی برای سکونت موقت داده شده و ۲۰۰ نفر دیگر از آنها در مهمانخانه های دولتی باقی خواهند ماند.
مستر بیرلن گفته که شهرداری تلاویو در نظر دارد ۲۵۸ اقامتگاه خود را با اختیار سربازان گذارد.

اورشلیم - دکتر ارنست چاین که بعلت تحقیقات در طرز تهیه پنسیلین و عملیات یو شیمیک جایزه نوبل را برده روز ۲۸ آوریل در بیمارستان (هداسا) در حضور جمعیت کثیری سخنرانی جالب توجهی ایراد کرد و ضمناً مرده داد که عنقریب در فلسطین هم پنسیلین ساخته خواهد شد

نامبرده که عضو هیئت عامله آژانس یهود و رئیس اداره مهاجرت است و اخیراً مسافرتی با اروپا نموده اینک گزارش خود را روز ۲/۵/۴۶ در اورشلیم بیان کرد :

نسبت بمسافرتی که ده ماه قبل با اروپا نمودم این دفعه وضعیت اسرائیل آنجا خیلی بهتر شده بود نیروی امریکا و Unrra اقدامات زیادی رای رهائی اسرائیلیها از بازداشتگاههای مختلفه بعمل آورده بودند غذا و لباس و منزل باندازه کافی در اختیارشان گذاشته شده بود ولی روحیه و حالت اجتماعی اسرائیل هائیکه هنوز در بازداشتگاهها باقی مانده بودند خیلی خراب بود و همه اظهار انزجار مینمودند و همه از کار کردن در آلمان بیزار بوده و میگفتند مدت پنجسال شبانه روز برای آلمانها خدمت کردند و حالا دیگر دست بهیچ کاری نخواهند زد مگر این که ب فلسطین بیایند و در این کشور کار کنند.

ناگفته نماند که هنوز هم بین اسرائیلیها و آلمانها کدورت باقی است و هر چند تا کنون خیلی خون یهودی ریخته شده ولی نمیخواهم نیشگومی کنم اما میترسم که مبادا در آینده باز هم از آن حوادث شوم صورت گیرد چون هنوز هم روزنامه های ضد یهودی فراوان است.

در اطریش تقریباً ۱۲۰۰۰ یهودی از لهستان و هنگری متمرکز شده اند و چون آن کشور تحت نظر ژنرال کلارک و سربازان امریکائی است که اسرائیل دوست میباشند وضعیتشان نسبتاً خوب است معذرا گمان میکنم بعضی اینک امریکائیها از اطریش خارج شوند باز هم قتل و چپاول شروع شود.

در آلمان و اطریش خیلی بیش از صد هزار اسرائیل زندگی میکنند شاید ۱۷۰۰۰۰ نفر وجود داشته باشد در ایتالیا ۱۳/۰۰۰ در سوئد ۱۲/۰۰۰ در سوئیس ۶/۰۰۰ در کشورهای دیگر ۱۵/۰۰۰ یهودی وجود دارد.

اورشلیم - روزنامه (همیشماره) مینویسد
طبق عقیده دکتر (مانیس) رئیس هیئت عامله اتحادیه (ایحود) پیشنهاداتی که راجع ب فلسطین شده همه قابل قبول و رضایت بخش است فقط باید از دولت انگلیس و از دولت فلسطین تقاضا کرد که آنها را بیدرنگ بوقع اجراء گذارند > حالا دیگر وقتی است که یهود و عرب باید دست همکاری یکدیگر داده و یک فلسطین متحد و قوی که از دولت تشکیل شده باشد بوجود آورند... نخستین اقدامی که باید نمود تصفیة ادارات دولتی است و مخصوصاً باید مسئولیت مشاغل دولتی بین یهود و اعراب تقسیم شود ۰۰۰۰ از همین حالا باید شروع نمود خواه قبیومیت فلسطین برقرار بماند یا از بین برود.

شش هجدهم
شا را برای خرید اجناس برق و سیم کشی ساختمان بالکتربکی نادری دعوت مینماید.

سعادت خانواده خود را چگونه تأمین میکنید؟
- پاسخ ۳۷ -

قبل از آنکه بتشریح موجبات تأمین سعادت و نیکبختی و آینده خود بپردازم این نکته را شایسته تذکر میدانم از آنجا که هر جامعه مرکب از خانواده ها میباشد و اغلب بانوی هر خانواده است که مسبب مهر و معیت و شادکامی یا بالعکس رنج و غم و تلخ کامی خود و همسر و فرزندانها میگردد از اینجهت است که من امروز از مسئولیت خطیر و مؤثر مادر شدن با خبرم هر خانواده رکنی از ارکان اجتماع است و منشأ سعادت يك ملت مترقی از خانواده آغاز میگردد این است که عقاید و نظریات خود را بنظر خوانندگان محترم کتاب عالم یهود میرسانم :

۱ - نخستین اندیشه من آنست که اگر روزی تاج زیا و پرافتخار مادری را بر سر نهم صفا و معیت و مهر و الفت را نخستین شاعر زندگی قراردهم زیرا در خانواده ای که نور صفا و صببیت قلوب افراد آنرا روشن نگرداند باتمکنه بیشتر شبیه است تا خانواده.

من دوست دارم که اگر مادر شدم گره مشکلاتی که خواه و نخواه در زندگی هر خانواده رخ میدهد با سرانگشت خلم و شکیانی بکشایم یکی از شرای ایرانهم با من هم عقیده است آنجا که میگوید :

بخوشروئی و خوش خوئی در ایام همی رو تا شوی خوشدل سرانجام
۳ - دومین عاملی که سعادت آینه خود و همسر و فرزندانم را در خلال آن کاوش و جستجو مینمایم وظیفه شناسی میباشد بانوی هر خانواده اگر بوظائف خود آشنائی داشته باشد و هر کاری را بهنگام معین انجام دهد بدر محبوبیت را در مزرعه دل همسر خویش میباشد و همواره عزیز و محترم است اینست که بزرگان جهان بهترین دستورالعمل خدا شناسی را در وظیفه شناسی دانسته اند.

۴ - اگر خداوند فرزند یا فرزندانی بن عطا فرماید در تهنیب اخلاق و تنویر افکار و تربیت جسم و جان آنها بکوشم زیرا بهترین و شیرین ترین ثمره عقد مقدس ازدواج فرزندان متدین و وظیفه شناس و هنرمند میباشد.

و بحکم تورات که مازاد دستورات اخلاقی و روحانی و عرفانی میآموزد مادر مسئول تربیت فرزند خویش میباشد.

۴ - چهارمین وسیله تأمین نیکبختی هر خانواده که منم بدان معتقدم برهیزکاری است در خانواده ای که فرامین دین اجراء گردد همای سعادت در آن بال و پر میگشاید.
مادر برهیزکار همسر خود را برهیزکاری و انجام اعمال شایسته تشویق و ترغیب مینماید و مسلم است که از اثر هنشینی و تأثیر اخلاق پدر و مادر فرزندان آنها نیز دارای قلوب پاک و منزه میباشند و ازدامان مادر تا صحنه اجتماع همواره نصایح والدین خود را بکار مینندند اینست که من بنکات چهارگانه مندرجه فوق توجه و علاقه بسیار دارم و البته در انتخاب همسر میکوشم که خداترس و متدین و راستگو و برهیزکار باشد.

روزنامه و مجلات

گزاره سائیمتری ۷۵ وینار

گزاره سازی شرکت سهامی چاپ تبت گار و کیش
برای مشتریان خود بر سائیمتری ۷۵ وینار نقل داده است

درگذشت یکی از خدمتگزاران بشر اسحق آستروک

بانهایت درجه تأسف اطلاع حاصل نموده ایم که آقای (اسحق آستروک) معلم و مدیر سابق آلیانس درباریس برحمت ایزدی یوسته است نامبرده در سال ۱۹۰۰ از طرف آلیانس وجویش کلنیزایش آسوسیایشن مأمور رومانی گردید و در آنجا چند مدرسه و کارخانه تأسیس نمود که عظمت فکری او را جلوه گر میساخت.

مرحوم (آستروک) در سال ۱۹۲۰ باز نشسته شده و بیاریس آمدولی معهدا مرتباً اوضاع اسرائلهای رومانی راجعت عنوان مرموز (ایزاس) در مجله (Paix et Droit) منتشر میساخت

این شخص از منسوبین (ایزیدور آستروک) است که از مؤسبین اولیه آلیانس بوده و حالا در سن ۸۷ سالگی جهان فانی را بدرود میگوید و وارد آرامش و شادمانی جاوید میگردد.

در مدارس آلیانس

توجه به آموزش کشاورزی آلیانس همیشه معتقد بود که باید به محصلین شغل و صنعت آموخت و این نکته در (بیانه ای) (که در شماره ۳۳ عالم یهود ترجمه شده) نیز تشریح گردیده است و برای این منظور احتیاج به معلمین کار آموزده دارد بنا بر این یکی از بهترین آموزگاران خود یعنی (مسوهاروس) را مأمور کرده که مدت یکسال در مدرسه فلاحتی (کاره) تحصیل نماید نامبرده که ذوق مخصوصی برای کشاورزی دارد بدون درنگ دنبال تحصیل رفت تا بعداً بتواند معلومات خود را با اختیار آلیانس گذارد اینک شمه ای از نخستین نامه ای که بدیریت کل آلیانس نگاشته است:

«مدتی است که دروس ما آغاز شده ولی بنده قدری صبر کردم تا خوب وارد موضوع شوم و بعد مراتب را بنظر عالی برسانم. آموزش در این بنگاه کشاورزی بطور سخن رانی (هنگام صبح) و بوسیله کارهای عملی (بعد از ظهر) انجام میگردد - علوم فلاحتی عبارتند از: «زراعت عمومی - زراعت خصوصی - تربیت زنبور عسل - صیغی - کاری درختکاری و غیره...»

برای فرا گرفتن آنها باید «مهندس صحرایی - قوانین کشاورزی شیمی - فیزیک و مکانیک» را لازم دانست و دوره آهم ۲ سال است ولی بنده فقط یکسال وقت دارم باین جهت درصدد برآمده ام که تمام دروس را با کمال دقت پیروی کنم و مخصوصاً کارهای عملی توجه بنده را به خود معطوف داشته است و در طی فرا گرفتن دروس توانستم خدمات عملی زیادی انجام دهم و انصافاً آموزگاران و مدیران بهره برداری همه نوع کمک بامن نموده و پیرسشایم پاسخ داده اند و تمام رموز ماشینهای تراکتور و غیره را باین یاد داده اند. بطوریکه ملاحظه می فرمائید مطالب را خیلی ساده و روشن بعرض رسانیدم زیرا وقت ندارم که قضایا را مفصلاً بتکلم کنم... ناچارم از وقت و قوای خود منتهای صرفه جوئی را بنمایم...»

آرزویم این است که در ظرف اسسال حد اکثر معلومات شفاهی و عملی را فراگیرم تا بتوانم بقدر توانایم به ایده آل آلیانس و مساعدت بهمیکشان جوان خود کمک نمایم.

انجمن مرکزی آلیانس تشکیل و انتخابات هیئت رئیسه بشرح زیر بعمل آمد: رئیس: مسیو رنه کاسن. نواب رئیس: آقایان - موریس لوون - رونه میئر - ژول برونسویک - خزانه دار: اندره گلدنرت.

گفترانس لندن

بمنظور تعیین سرنوشت اسرائلهای دنیا و رسیدگی باوضاع رقت آزر اسرائیل های پراکنده و بدون ملجأ کنفرانسی در تاریخ ۳ مارس ۱۹۱۶ در لندن باحضور عده کثیری از شخصیت های برجسته اسرائیل های اروپا منجمله از طرف آلیانس و انجمن یهودیان انگلستان و غیره تشکیل گردید. پس از تبادل نطق های افتتاحیه کنفرانس کیسیونی رابن ام کیسیون پروکرا تعیین نمود تا روش انجمن را تعیین و اساستنامه و نظامنامه آنرا بنویسند. بالاخره پس از چندین جلسه روش کنفرانس بشرح زیر تعیین گردید:

۱- موضوع فلسطین - ۲- دفاع حقوق یهودیان دنیا بر طبق حقوق بین المللی - ۳- کمک و معاضدت یهودیانی که مورد زجر و آزار نازی ها واقع گشته اند - ۴- رسیدگی بامور مهاجرین و اشخاص بی مکان - ۵- تعلیم و تربیت یهودیان اروپا - ۶- مبارزه با افکار ضدسامی - ۷- بررسی اوضاع یهودیان امریکای جنوب و افریقای شمالی - در این کنفرانس نمایندگان ۲۰ انجمنهای مختلفه یهود اروپا حضور داشتند و برای بررسی بهر یک از امور نامبرده در برنامه بالا متخصصینی که عبارت از رؤسای و قوای سیاسی عالی مقام اسرائیل اروپا میباشند برگزیده شدند -

گرچه ضمن مذاکرات مفصلی که در جریان جلسات بعمل آمد عموم نمایندگان در اساس امور موافقت کامل داشتند ولی نسبت بطرز اجرای هر یک اختلافات شدیدی حکم فرمود که مهندس حسن تفاهم حقیقی بین کلیه افراد برقرار بود و این خود حسن نیت کامل نمایندگان را نشان می داد در موقع مذاکرات در اطراف مرام صیونسم باسستشای یکتفر کلیه نمایندگان با آن مرام متفق الرای وهم عقیده بودند و با توافق آرا تصویب شد که بر علیه کتاب سفید و منع مهاجرت فلسطین و عدم آزادی خرید زمین فلسطین قیام و اقدام شود - در یکی از جلسات کنفرانس موضوعی پیش آمد که موجب تأثر و هیجان شدید کلیه نمایندگان گردید و آن عبارت از ورود نمایندگان یهودیان بی خانمان و بی پناه اروپا در جلسه بود که تقاضای فکر سریع برای تهیه جا و مکان برای این بیویان سرگردان میکردند علاوه یکی از نمایندگان شرح زندگانی مرگبار صدهزار یهودی که هنوز در بازداشتگاه های آلمان مانند سابق بسر میرند و از همه چیز حتی خوراک و پوشاک محروم میباشند باحالت تأثر آوری بیان نمود و در خانه در خواست نمود که اقدام عاجل برای اجازه مهاجرت این عده بسوی ارض اسرائیل داده شود تا در صورتیکه مقدر است کشته شوند در راه نیل به آرزوی خود قداشوند - در خلال جلسات کنفرانس معلوم گردید که گرچه یهودیان ساکن ممالک انگلوسا کسون دچار مصائب یهودیان اروپا نشده اند معهدا قلب آن ها نسبت بطرز رفتار فیجیمان ای که نسبت به برادران آنها شده جریحه دار گردیده و حاضرند از هرگونه مساعدت و کمک برای راحتی آنها مضائقه ننمایند یکی از تصمیمات مهمی که در یکی از جلسات اتخاذ گردید آن بود که ابتدا برای زنده ماندن باقیماندگان و سپس برای احیای فرهنگ این توده اقدام سریع بعمل آید اجرای دستور اخیر بمعده آلیانس واگذار گردید.

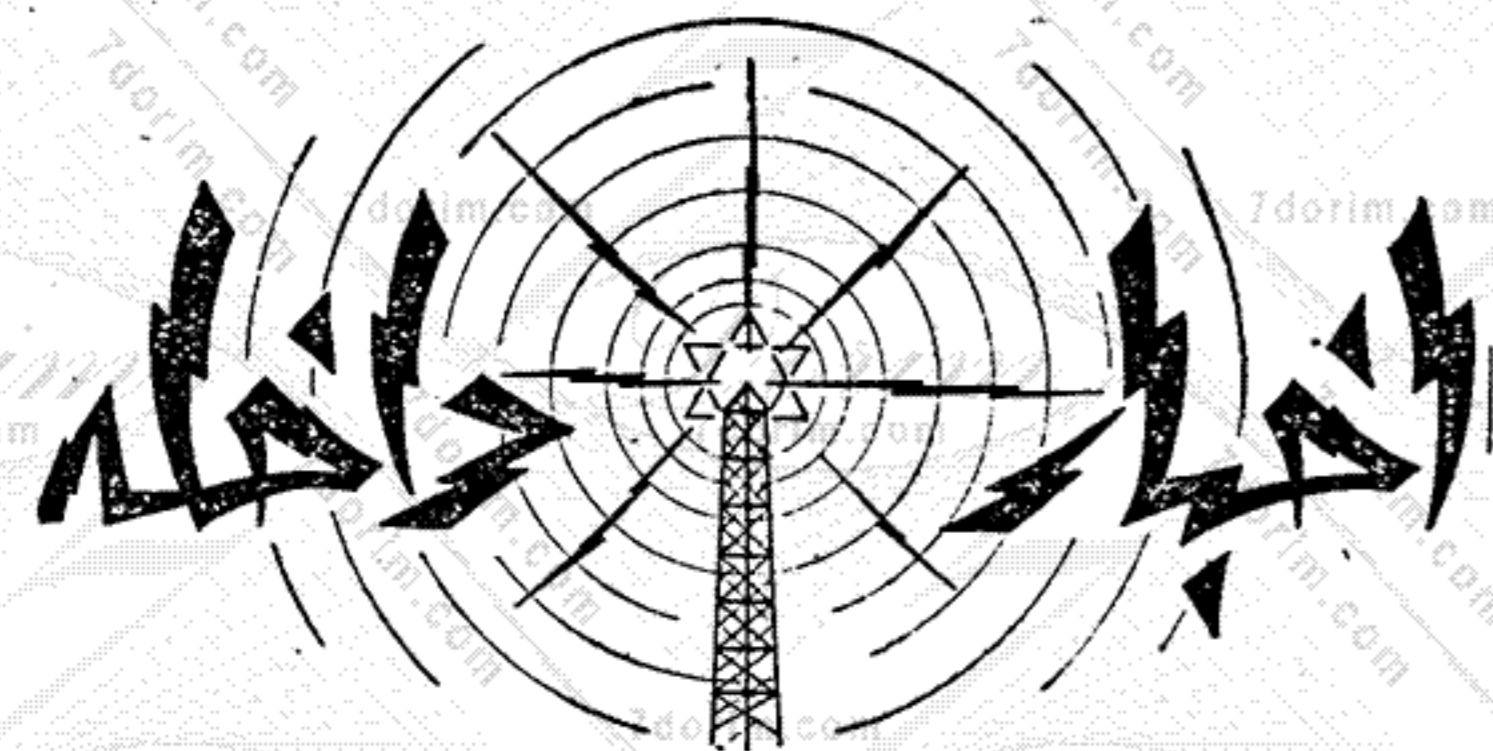
و نیز از قوای مذاکرات چنین مستفاد گردید که هنوز روح منتهی سامی و نازی از دنیا نرفته و هنوز این افکار پلید در اطراف و اکناف کیتی باشکال مختلفه وجود دارد ولی باید بدینا فهمانید که تمدن بشریت مدیون قوم یهود بوده و بود دنیا با وجود این قوم بستگی دارد - کنفرانس بانطق مهیج نماینده آلیانس خاتمه یافت و قرارداد جلسات آن مرتباً تشکیل و در اطراف پروگرام مصوبه اقدامات مقتضی بعمل آید -

انجمن کلیمیان تهران

تهران - بمنظور تعیین تکلیف کاروانسرا ها و اتخاذ تصمیم برای طرز اقدامیکه باید برای استرداد آنها بعمل آید از طرف انجمن کلیمیان تهران دعوتی از شصت نفر اشخاص برجسته اسرائیل های تهران بعمل آمد که در شب جمعه ۳ خرداد جاری در حدود ۲۵ نفر در محل انجمن حضور بهم رسانیدند ابتدا آقای

دکتر منتخب معاون انجمن شرحی مبنی بر اقداماتی که انجمن برای منظور فوق عده ای ضایع کرد و باید فوراً اقدام به تجدید انتخاب نمایند بعمل آورده بیان و برای دنبال امر نامبرده از حضار کسب تکلیف نمودند پس از مذاکرات و مشاوره مفصلی که بعمل آمد قرارداد شد کیسیونی برای این منظور از طرف حضار انتخاب و باتفاق دو نفر از کارکنان انجمن کلیمیان مراتب را به نحوی که اصلح میدانند دنبال نمایند و با کثرت آراء آقایان موسی طوب (پاستور) - نعمت الله مسنق و اسحق بروخیم رغان و دکتر معلم انتخاب گردیدند که شروع بکار نمایند و جلسه مقارن ساعت ده و نیم ختم گردید و قرار شد در شب سه شنبه آتیه کیسیون تشکیل گردد.

عالم یهود - موضوعی که باعث تأسف ما گردید آنکه ۱- از اعضای خود انجمن کلیمیان که تعداد آنها ۲۴ نفر است و خود شان دعوت کننده بوده اند متأسفانه فقط ۴ نفر در این جلسه مهم حضور داشتند و معلوم نبود که این آقایان که اسامیشان بدارات ثبت و شهربانی و بانک و غیره بنام حامی و کارکنان !!! ملت معرفی شده اند همیشه در تمام مجالس سینه سپر میکنند چه شده بود که در این جلسه حضور نداشتند و از قراری که شنیده ایم و بارها هم متذکر شده ایم مدتی است که این افراد دیگر در انجمن حاضر نمیشوند.



جوانان هنرمند را بشناسید

در آموزشگاه پزشکی مشهد دانشجوی با ذوقست که اغلب حاشه جزوه های درس خود را بانوت موسیقی سیاه میکند مگر میشود یکروح حساس و آزادمنشی را در لابلائی فرمولهای خشک و بیروح مجوس کرد؟ « یعقوبیل » دیوانه موسیقی است و هیچگاه از آن سیر و خسته نمیشود. امروز در مشهد کمتر کیست که این ویلونست بیست و دو ساله را نشناسد. خوش بزمی و طبع اجتماعی او و شیرینی پنجه اش باعث شده است که تقریباً در تمام جشنهای رسمی و فرهنگی خودی و بیگانه از وجود او استفاده شود. « یعقوبیل » فقط چند ماهی باموختن قواعد نوت برداخته و پس از آن ویلون را بر اثر حافظه و استعداد قوی، پیش خود بدون کمک استاد فرا گرفته است و امروز علاوه بر اینکه پنجه شیرین و ورزیده ای دارد به نوت موسیقی نیز کاملاً مسلط است. مدال ها و جوایز زیادی تاکنون نصیب او شده و چندین آهنگ زیبا نیز از خود تصنیف نموده است. « یعقوبیل » بیشتر علاقه و استعداد خود را در موسیقی اروپائی صرف میکند و بزرگترین آرزویش اینست که روزی بتواند زیر نظر یک استاد و مربی بزرگ به تکمیل هنر خود به پردازد و چنانچه چنین محیط مناسبی پیدا کند آتیه بسیار درخشانی برای او پیش بینی میشود.

۲- با اینکه ما کار ارتقا ضا کرده ایم انجمن عملیات خود را برای نشر و اطلاع عموم بفرستند و صورت حساب یک ساله خود را بدهند متأسفانه تا بحال هیچگونه ترتیب اثر نداده و نمیدهند و یک جامعه صد هزار نفری را باز بچه خود قرار داده اند.

۳- آقای دکتر منتخب جاری در حدود ۲۵ نفر در محل انجمن حضور بهم رسانیدند ابتدا آقای دکتر منتخب معاون انجمن شرحی مبنی بر اقداماتی که انجمن برای منظور فوق عده ای ضایع کرد و باید فوراً اقدام به تجدید انتخاب نمایند و برای این امر باید بهر نحو اقدامیکه میسر است از کلبه طبقات و افراد و انجمنهاییکه امروزه در شئون ملی مارخنه کرده اند و وجود کثر آنها با اوضاع فعلی بحال ماضی است و هیچگونه سستی ندارند دعوت نموده و یک سازمان مرکزی کل یهودیان ایران که باید مرکز اجرای امور داخلی اسرائیل ایران باشد تشکیل دهند تاسیس از تشکیل انجمن نامبرده اغلب انجمنها و محافل فعلی در آن انجمن تحلیل یا تحت الشعاع شده صندوق ملی نیز تأسیس گردد.

۴- و اما راجع به موضوع کاروانسرا و املاک اسرائیل: ما معتقدیم که در این کیسیون چند نفر از مشاورین حقوقی از قبیل آقایان دکتر دادوند ناقتی و صبی دعوت شوند تا از نقطه نظر حقوقی بامشورت ایشان امور نامبرده انجام پذیرد معرفی نماینده ورزشکاران اسرائیل ایران تهران - در تعقیب خبر مندرجه شماره ۳۷ از قرار اطلاع رسیده باشگاه ورزشی مکابی در نظر گرفته است که یکتفر نماینده از ایران به تل آویو برای حضور در کنگره ورزشی مکابی جهانی اعزام دارد.

گاردن پارتی و شب نشینی

بر طبق دعوتیکه از طرف آقایان کوهن مدیر دبیرستان اتحاد تهران، د کتر کلاین بوم رئیس اداره سوختوت، بن اهرتون رئیس قرن قیمت بعمل آمده مجلس شب نشینی و گاردن پارتی با شکوهی درروزه شنبه ۱۶ خرداد (۲۶ ژوئن) ساعت ۸ بعد ازظهر در محل باشگاه سینای واقع درخیابان نوبهار منعقد خواهد گردید در این شب نشینی همه گونه پذیرائی بعمل آمده و شام نیز داده خواهد شد.

اگرکسترهای ایرانی و اروپائی ورقصهای مختلفه شرقی و غربی که تا صبح ادامه دارد مدعوین رامحفوظ خواهد ساخت بدارندگان کارت جواز عبور داده خواهد شد.

دبستانهای

تعلیم زبان عبری

تهران - اخیراً خبز هائی از ولایات داتر به نرسیدن بودجه دبستانهای زبان عبری رسیده بود از دفتر آقای راب لوی توضیح خواسته شده اینک بوجوب توضیحی که رسیده معلوم گردید چون بودجهای که برای اداره نمودن ۳۶ دبستان تأسیس شده که از آنها تقریباً ده هزار دانش آموز تحت ۱۲۰ نفر آموزگار تدریس مینمایند تکافو نمینود نظر باینکه در نظر است دبستانهای جدید دیگری تأسیس شود بنابراین آقای هاراب لوی در نظر دارند در تاریخ ۱۲ ژوئن مستقبلاً از آنجا بسوی امریکا و همسپار شوند تا با جلب نظر انجمن مربوطه بتوانند ککهای بیشتری بعالم فرهنگی ما بنمایند.

تأسیس انجمن خیریه

آبادان - در تعقیب خبریکه قبلاً داده شده بود عده ای از اشخاص خیر اندیش آبادان بمنظور ترویج فرهنگ و بهبود اوضاع اسرائیل های آبادان انجمنی بنام انجمن خیریه و فرهنگی یهودیان آبادان تأسیس نموده و از عدهای از معارف و معتدین محل دعوت نموده وجوهی جمع آوری شده و زمینی برای ایجاد دبستان خریداری کرده اند ولی چون بودجه فعلی تکافوی مخارج ساختمان نامبرده را نمینماید از عموم افراد خیر خواه و معارف پرور ایران تقاضا دارند که در پیشرفت این منظور بانها تشریک مساعی نمایند و وجوهی را که میخواهند برای این امر خیر ارسال دارند به نشانی آقای شمعون امونابازار خراج آبادان و مغازه آقای موسی خرمن آبادان ارسال دارند.

عالم یهود - ماهواره موفقیت این انجمن را از خداوند متعال خواستاریم.

تأسیس کارگاه صنعتی

بقرار اطلاع واصله اداره سوختوت در نظر دارد که کارگاه صنعتی بزرگی برای آماده نمودن اطفال و جوانان اسرائیل بامور فنی و صنعتی در خیابان سیروس تأسیس نماید و تمام مقدمات امر فراهم گردیده است برای شروع بساختن بنای کارگاه نامبرده و نصب سنک اول روزجمه ۱۷ خردادماه جاری در محل نامبرده دعوتی از عده معارف بعمل آمده است.

نامه تشکر آمیز آلیانس

تهران - اخیراً نامه ای از آلیانس اسرائیلت باریس رسیده و از زحماتیکه مادام ومسیو کوهن مدیران دبیرستان اتحاد و مادام کوترو آقای الیاسی برای تهیه لباس جهت اطفال بی بضاعت دبیرستان متحمل شده اند تشکر و قدردانی نموده است.

تأسیس باشگاه ورزشی اردن در اصفهان

اصفهان - از قرار خبریکه از طرف آقای یوسیان رسیده اخیراً عده ای از جوانان ورزشکار اسرائیل اصفهان دور هم گرد آمده و کلوبی بنام باشگاه ورزشی اردن برای تعمیم ورزش بین توده اسرائیل تأسیس نموده اند ولی چون بودجه کافی برای فراهم نمودن وسائل اولیه این باشگاه ندارند از افراد خیر خواه اصفهان تقاضا دارند که بایشان مساعدت مالی نمایند.



عکس بالا کلاس صنعتی دبیرستان اتحاد تهران را نشان میدهد.

عالم یهود - تأسیس باشگاه نامبرده را تبریک میگوئیم و همواره موفقیت آنانرا طالبیم ضمناً امیدواریم که افراد خیر اندیش اصفهان در در رسانیدن کمک بباشگاه نامبرده کوتاهی و مضائقه نفرمایند.

اخطار اداری

نظر باینکه عدهای از مکاتبه کنندگان بدقت عالم یهود چندین موضوع را در روی یک کاغذ ارسال میدارند و این کار از لحاظ اداری باشکالات زیادی بسر میخورد لذا از مکاتبه کنندگان تقاضا میشود در روی هر نامه بیش از یک موضوع نوشته نشود و موضوع دیگر را روی صفحه دیگری بنویسند مثلاً در روی یک کاغذ گله از عالم یهود - در نامه دوم تقاضای اشتراك - در نامه سوم حل جدول - در نامه چهارم پاسخ معما - در نامه ششم خبر نامه هفتم تقاضای درج آگهی و

مسعود کودک کی بود که در خانواده نسبتاً فقیری بدنیا آمده بود. هنوز طفل بسود که از نوازشهای پدر محروم گشت. از آن پس او و خواهرانش جز مادر غمخواری که برای آسایش فرزندان یتیم خود همه گونه زحمات را بر خویشان هموار میکرد سرپرستی نداشتند.

مادر ستمدیده کودکان پریشانحال را بزرگ کرد لیکن هنوز نتیجه سختیها و محنتهای متحمل شده را نگرفته بود که صیاد روزگار جانسوزترین تیرها را از ترکش خویش رهانمود و بیکر ناتوان زن بیگناهرا نشانہ کرد و او را در بیکار زندگی مغلوب پنجه قهار و چنگال ستمکار خود گردانید. دست اجل گریبان مادر یکمشت بیچارگان را بگرفت و در برابر این همه مظالم اطفال معصوم و بی پناه را که جز مادری ستمزده یار و غمخواری نداشتند با یکس دنیا آه و ناله، اندوه و پریشانی، حسرت و ناکامی روبرو گردانید.

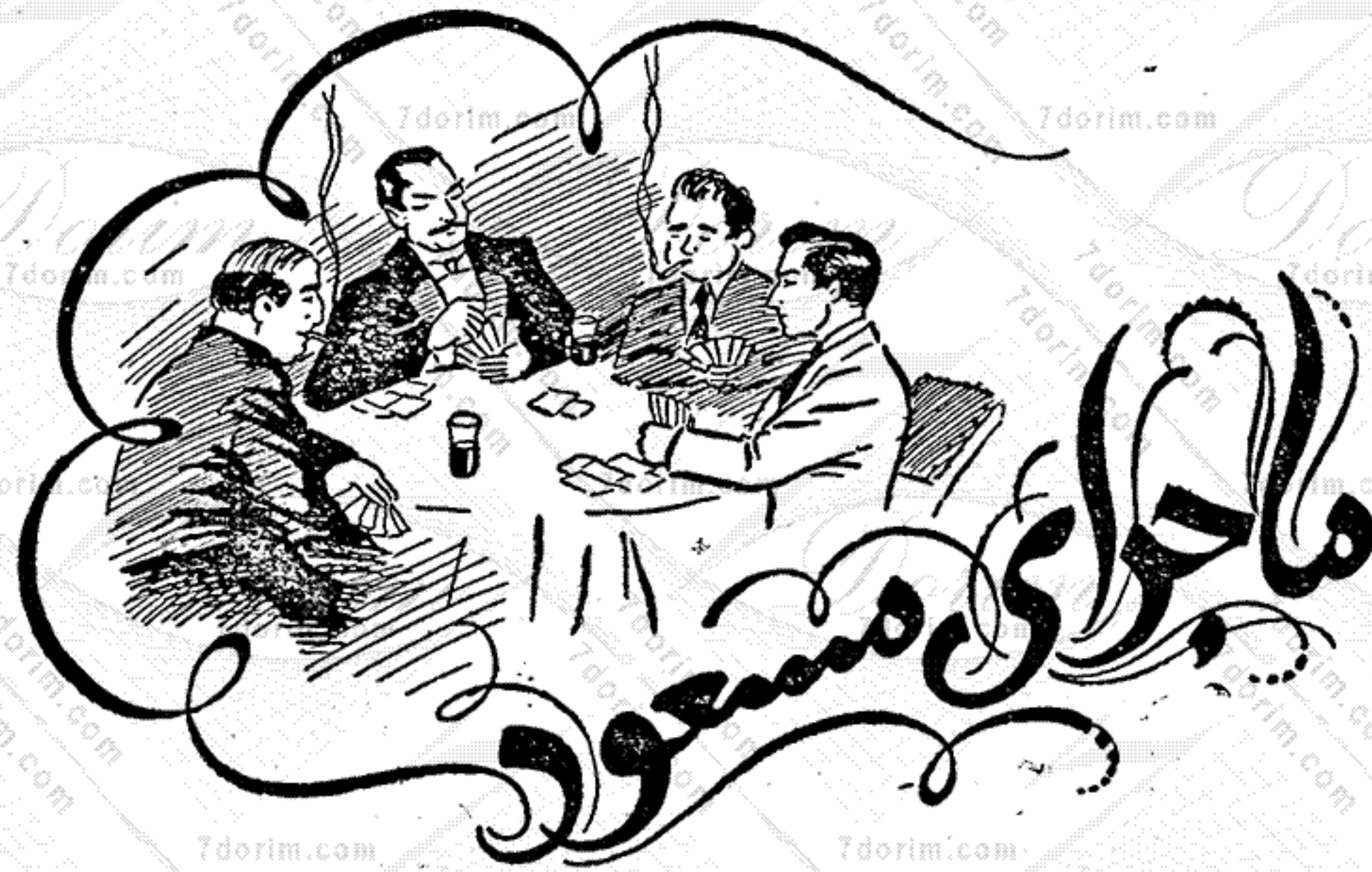
کودکان همچنان بی سر پرست رفته رفته بزرگ شدند بدهها مسعود هر دم خاطرات تلخ و شوم گذشته را بیاد میآورد از بیکسی و تنهایی خویش مینالید لیکن سعی میکرد عجالتاً وجود خود را برای خواهران بی گناهای پناهگاهی قرار دهد و در حمایت آنها کوشیده، گذشته هارا بدست فراموشی سپارد.

«تنها فراموشی است که میتواند درد های طاقت فرسای نوع بشر را تسکین دهد و مانند داروی بیهوشی که برای مدتی ممکنست از آلام درونی بکاهد صحنه های غم افزای ایام گذشته را از دیدگان شخص پنهان سازد»

مسعود در همان حال که تنها بود با افکار روشنی همدم شد و برای آنکه نقشه های خویش را بمرحله عمل گذارد و آتیه خوشی برای خود و خواهرانش فراهم سازد بمنظور تهیه کاری از شهر خویش مسافرت کرد.

هنگامیکه برای اولین دفعه از موطن خویش وداع مینمود جز منظره قبر پدر و مادرش که آرام در آغوش خاک تیره آرمیده بودند و دیدگان اشکبار خواهرانش که با حسرت و اندوه فراوان دوری برادر را بیاد میآوردند کسی او را بدرقه نکرد. خودش هم جز این خاطرات جانگداز سرمایه نمی نداشت ولی همینکه بشهر جدید وارد شد با کمک آنهایی که از وضع خانوادگی و تنگدستی اطلاع داشتند بکاری مشغول گردید.

در اثر استعداد و لیاقت خویش توانست بدهها کاری آزاد تهیه کند و با فراهم نمودن سرمایه ای آزادانه در جاده ترقی گامهای



ماجرای مسعود

سریعتی بردارد و با نیروی اراده و پشت کارش خود را از چنگ فقر و بیچارگی برهاند. لیکن افسوس که جوان و بی تجربه بود. آری او جوان بود و هنوز آشنائی کامل بسموز زندگی نداشت. او نمیدانست که سراب زندگی بسیار فریبنده است و کمتر کسی

میتواند خود را از مکر و فریبش دور نگهدارد. او نمیدانست در دوره جوانی که شخص جوان چشم اغلب سراب را آب می بیند و وجود خود را در عالم خیال و خواب می بندارد. صحنه پنهانرگیتی از انواع آفات و بلاها و دامهای خطرناک تشکیل یافته است همانطور که صیادی طعمه ای در دام خویش قرار میدهد و بانواع حیل و تدبیر صیدترا بچنگ میآورد و بوسیله طعمه ای ناچیز خطر تله و پرتگاه را از دیده شکارش مستور میدارد روزگار هم افراد بی خبر و بیگناه را با پای خود آنها بسوی پرتگاهها سوق میدهد و با ظاهری فریبنده عواقب مهیب و وخیم را از نظرها دور مینماید.

آری مسعود در حالیکه از جاده مستقیم منحرف میشد بیگناه بود زیرا: محیط، اجتماع، تربیت، هیچکدام صحیح و مناسب نبود تا بتواند او و امثال او را از خطرهای این دامها محفوظ دارد.

آری هزاران فرد مانند مسعود در اینگونه محیطهای پست و اجتماعی خراب با تربیت های غلط تسلیم فنا و تباهی گشته و میگردند.

مسعود تربیت پدر و مادر ندیده بود و هنگامیکه خود را شناخت جز محیط و اطرافیان آشنا و همدمی نداشت با وجودیکه مدتی در اثر کار و کوشش توانست بیاره ای از مشکلات فائق شود ولی نباید منکر وجود مربی و راهنما شد زیرا «بشر بوجود راهنما و مربی نیازمند است.»

«هر کس با قافله ای که در جاده پر خوف و خطر زندگی طی طریق مینماید باید ساربانانی ماهر و جهان ندیده در جلوی کاروان داشته باشد تا دنبال آن فارغ البال مراحل مختلف را در نوردد.»

«همچنانکه در تاریکی نور و روشنائی لازم است در زندگی نیز پرتو درخشانی باید در جلو دیدگان بتابد و مشعلداری باید در صف جلو قرار گیرد تا دیگران را از روشنائی و نور کافی بهره مند نموده و دنبال خود روان سازد»

مسعود در سفری که یکی از شهرستانها برای باره ای معاملات کرد برای اولین بار چشمش بمالمی افتاد که حریفان گوشه

شاپو عوت یا جشن قانون گذاری

بقیه از صفحه ۶۲۷

گرفتار اوهام و خرافات مینمایند و معنی حقیقی تورا را از نظر و فهم مردم مخفی میدارند.

امروز اگر اکثر مردم روز ششم سیوان را بنام عید شاپو عوت جشن بگیرند نه از روی منطق و فهم کافی به حقیقت آن بلکه بدون اطلاع از دستور های تورا در اثر تلقین یشوایان که فقط به صرف داشتن عید و خوردن شیرینی و رفتن بگردش خود را عادت داده اند و آنرا جزء سوم تشریفاتی نموده اند.

بسیار بجا بود اگر میتوانستیم مانند ملل زنده که هنوز قوانین خود را بنفع اکثریت افراد ملت خود بکار میبرند ورو به تعالی و عظمت میروند ما هم حقیقت قوانین مذهبی و دینی و تورا را بنفع اکثریت اسیر و بی سواد و غافل و بدبخت ملت آنطوریکه واقعیت آن امر میکند بکار ببریم تا بدبختیهای اجتماعی و اخلاقی و اقتصادی و حتی سیاسی، ازین برود وجامه پیود واقعی باتمام مزایا و قابلیت که باید دارا باشد در دنیا جلوه کند و آنوقت عید «شاپو عوت» را بر خود گوارا و بنام معنی نگهداری کنیم.

این منظور برآورده نشود و توده ملت از غفلت و خرافات و اوهام و نادانی خلاص نمیشود مگر اینکه دستهای قوی روشنفکران و جوانان فدائی و مردم آزاده ملت گریبان عناصر یلید و خائن و دروغگو یان اجتماعی را که باشکال و عناوین مختلفه بنام دین باغفال و تحبیب مردم میدارند و توده ملت را از ترقی و تمدن و شرکت در اجتماعات باز میدارند گرفته و از جامعه طرد کنند زیرا نص صریح تورا است که بایستی از تورا و قوانین آن حیات جاودانی یافت نه هر گز دائمی.

سالم زاده

از روزنامه ها عولام - شماره ۴۴

روز ۵ شنبه ۲۳ نisan يك كشتي حامل ۸۸۰ نفر مهاجر مجاز از لهستان وارد بندر یافا گردید بین این مهاجرین چند نفر از روسای اداره مهاجرت (سوخنوت) و خانم دکتر ویزمن وعده ای از صیونست های ایتالیا و سایر مراکز اروپا بودند.

در کشتی چند طفل متولد شدند و بعضی رسیدن به یافا زنان نامبرده و اطالشان به زایشگاه راهنمایی شدند و بقیه مهاجرین تحت نظر اداره مهاجرت در یافا و سایر شهر های مختلف ارض اسرائیل پراکنده شدند.

مسعود از فدائیان بزرگ این راه پر خطر بشمار آمد - او قربانی عمل ناشایسته ای شد که هزاران خانواده را بی خانمان کرده است.

اودر بهار جوانی زندگانی درخشانی را که در انتظارش بود از دست داد باین طریق عواملی که آینده روشنی برای او تپه میکرد از چنگش بدررفت و بجای این مقدمات سرنوشتی که اندام رعنی او را بگورستان کشاند برایش آماده شد و باز ماندگانش نیز به آتش جریق که هستی آنها را طعمه شعله های سوزان قرارداد بود سوختند و ساخنند.

نگارش: سرقندی

او بازماندگان خانواده مظلوم و ستم زده را همراه خود برده بود تا در آن روزیکه طبیعت شاهکار ظلم و ستم را بمالیان نشان دهد ناظر بوده و جزه تاشاچیان این درام واقعی محسوب شوند - حس تلافی باختمی فراوان مانع شد که مسعود دست از این کار باز دارد حتی با حرص مخصوصی که معمولا در اینگونه اشخاص ایجاد میشود در مجالس حاضر میشد و رفته رفته تقد مال و جانرا میبخت تا آنکه سرمایه اش از دست رفت و مبلغی هم مقروض گردید آری! مسعود مقروض شد نه تنها در مقابل اشخاص مبلغی پول بدهکار شد بلکه در حضور وجدان - شرافت و مسئولیت مدیون گردید از آن پس بهوش آمد - خود را دریابانی خشک و سوزان - لغت و عریان میدید - رشته کار را گسیخته سرمایه را از دست رفته - در مقابل آنهایی که میبایست زندگی و آینده شان را تأمین نماید - خود را شرمند میدید - حس میکرد در این مدت وادی زوال را نرم نرم سیرده و قدم قدم بلب پرتگاه نزدیکتر شده است - گرفتاریهای گوناگون از هر طرف باوروی آور شده و افکار پریشانی بر مغز تیره اش هجوم آورده اند - لیکن با این همه احوال مواظب اعمال و رفتار خود بود که مبادا راز درونیش آشکار شود و دیگران از تهیدستی و بیچارگیش باخبر گردند - او تا روزیکه جسد بیجانش را بر روی قبرستان یافتند ظاهر خویش را حفظ میکرد و چشم بینائی لازم بود تا بتوان از ظاهر آرام و ساده اش بی بیاطن مشوش و متقلبش برد.

ولی با همه احوال او نمیتوانست مانند بعضی اشخاص که در چنین لحظاتی بهمگونه خواربها و سختیها و ناکامیها تن در داده و بزندگی طاقت فرسانی ادامه میدهند رفتار نماید او بسیار غیور و معتقد ب عزت نفس بود اما افسوس! که دامن پاکش آلوده شد و افکار بلندش رو بفسردگی و تیرگی نهاد - از همان لحظه اول که از جاده راست منحرف شد - دیگر نتوانست از صفات پاک و نبات نکش بهره مند شود.

بیش از این هر چه بخواهیم در اوقات آخر عمر وساعات واپسین این جوان دقیق شویم او را جز در عالمی پر از گرفتاری و بیچارگی و فلاکت نخواهیم یافت و جز گسیختن رشته حیات و خاتمه دادن باین چند روز زندهگی مشوش و پریشانش تعبیر و تفسیری نخواهیم دید.

گویا همین افکار جوان ناکام را بیدار خاموشان کشاند - با باهای لرزان و اندیشه های پریشان جانب گورستان شتافت و لحظاتی چند در خاک و تردید بسر برده بود - بالاخره فکر مرگ بر اندیشه حیات غالب گشته و بتصور آنکه از چنگال گرفتاری و نا کامی رهائی خواهد یافت بدون آنکه وضعیت آینده بازماندگانی بی سرپرست را درست در نظر آورد قامت بر ازنده اش بر روی خاک افکنده شد مسعود با این وضع که هنوز از عالم جوانی بهره ای نبرده بود چشم از جهان بریست ولی آنهاییکه کردار کرد جسم بی روح او جمع شده بودند چند طفلی که تنها با امید برادر خود زنده بودند و روزگار ستکار در ایام کودکی پدر و مادر مهربان آنها را از ایشان جدا کرده بود میدیدند که بر اطراف نقش جوان طواف مینمودند و لسی من که ناظر این شاهکار ظلم و جور زمانه بودم در فضای بالاتر و عالم ارواح دوروز لرزان و پریشانرا بنظر میآورم که در چنین موقعی بالای جسد بیجان نوجوان خود پیروا زدر آمده

بر احوال بی سرپرستی فرزندان دیگر خود زار زار مگریستند و نیز در این باره با آنها هم آوازه بودند -

سر گرمیها مانند الکل، تریاک، آمیزش با فواحش، دل باختگانش را دل داری میدهد. و در حین سرگرمی حریف مخفیانه و نرم نرم گلویش رامیفشارد و گاهی رهسا میسازد زمانی در حال باختن آتش خشم و تند خوئی را در نهادش چنان مشتعل میسازد که جان و مالش دردم طعمه حریق واقع میشود و مدتی در حال بردن نشاط موقتی در او ایجاد میکند که زیان های گذشته را نادیده گرفته آبی بر روی آتشی که روانش را گداخته است میپاشد و با این تاکتیک ماهرانه حریف هنگامی بخود میآید که جان و مالش بهدر رفته جز ضعف جسمی و روحی - تهیدستی و سرافکنندگی سرمایه ای در کف نمی بیند

همین عوامل است که شخص قمار باز را وادار میکند دست از حیات تنگینی که در خاتمه کار نصیبش میشود بشوید یا اینکه بزندهگی بدترازمرگ ادامه دهد -

جوان! با آن همه استعداد و شایستگی که از خود در کارها بظهور رسانیده بود و با آن همه پشتکار و مسئولیتی که داشت گرفتار دام مهلکی شده بود جان و جوانی خود را قربانی این عمل تنگین کرد مسعود در حالی که مسئولیت بزرگی برای سرپرستی بازماندگان پدر و مادر نا کامش داشت و معلوم بود جز وجود او کسی آتیه آنها را تأمین نخواهد کرد و تنها خود او باید پایه زندگی آینده را محکم نموده و با مهارت و دقت تمام پیش رود مقصر بود! لیکن در مقابل معایب محیط - اجتماع - تربیت - معاشرت و تسلط هوی و هوس بر عقل و اراده و بخصوص دردوره از زندگی مانند هر جوانی که هر لحظه شخص بر لب پرتگاهی قرار میگردد وسیل تخیلات و شهوات بر او هجوم میآورد آیا میتوان او را گناهکار صرف دانست؟ خیر! در چنین موقعی این جوان احتیاج بر راهنمای شخص مجرب و بزرگی داشت که متأسفانه علاوه بر عدم چنین وسیله ای دوستان بی وفا! و همنشینان بدانندیش بعدها عامل مؤثری در بیچارگی و تباهی او شدند

اینجا است که باید گفت «انتخاب دوست و معاشر بسیار مهم است چنانکه کسی در این راه هم اشتباه کند جز تباهی نصیبی نخواهد داشت دوست دانا است که سبب نجات و هدایت شخص میشود و همنشین بد و نادان است که موجبات بیچارگی و سرافکنندگی را فراهم میکند»

یاران مسعود در حالیکه خودشان هم در آتش اینگونه بلاها مسوخندند شعله های سوزاننده بلارا گرمتر میساختند - با این پیش آمدها مسعود بمسافرتهای سودمند خود خانه داد در بر گشتن خانواده خویش را که همان اطفال یتیم و بی سرپرست تشکیل میداد بشهر اولیه اش برگردانید و در آنجا بتکرار این کار مشغول شد.

مدتی گذشت سرمایه ای را که با آن کار میکرد از دست داد - لیکن در اثر غرور شخصی که داشت آشنایانش را از این ماجرا بی خبر گذاشت شاید اشخاصی که جزئی نسبت خانوادگی با او داشتند در اثر اطلاع از این امر در صدد جلوگیری بر میآمدند ولی افسوس! روزگار مقدمات امر را فراهم آورده بود

اود مرتبه بجائی برگشت که در آتیه نزدیکی میبایست اندام زیبا و قامت رعنائیش در کنار دلدادگان قدیمیش آرمیده و آنها را از وصال خود بهره مند سازد.

نشین آن بدون اندک رنج و تلاش ظاهری دسته های اسکناس را از چنگ یاران خویش میربایند - او بچشم خویش دید بعضی اشخاص که بردور این خوان نعمت گرد آمده اند برخلاف خودش که برای سود نا معلومی باید زحمت مسافرت، دوندگی و تلاشهای گوناگون را بر خود هموار سازد در مدت کمی سود فراوان نصیبش میگردد.

دیدگان ظاهراً بین مسعود او را از درک حقایق دیگری غافل نمود آری «قضایاتی که همواره از روی ظاهر کارها و اشخاص میشود ما را از فهم حقیقت باز میدارد - سود یازبان اصلی را از نظر ها پنهان میسازد نیکی و بدی را هم آنطور که باید مشخص نمیسازد»

باز مسعود نمیدانست همان اشخاص سودهای موقتی را بامید برد های بیشتر فردا صرف عیش امروز میکنند و بحکم آنکه باد آورده را باد میبرد مبلغی هم باج سبیل باطرافیان و خوشه چنین این خرمن تباها شونده میدهند - ولی فردا!

«همان فردائی که هزاران هزار اشخاص را بزندهگی تشویق میکنند در عین حال سبب بعضی شکستها و نا امیدیها میگردد» اگر بخت بجای مساعدت، مخالفت کرد باید مبلغی بیشتر از بهره دیروزی که از دست رفته است تقدیم حریفان امروزی نمایند - «مگر نه آنکه امروز ما اگر برخلاف میل و آرزوهایمان میگردیم با امید فردا دلخوش میکنیم

بیچاره جوان خبر نداشت که دری برویش گشاده میشد که ورود از آن جز بد نامی، فلاکت، بیچارگی، ندامت، انواع عادات ناپسند که منجر باقسام امراض میشود و سایر بلاها و گرفتاریها نتیجه ای نخواهد داشت و از اثرات و نتیجه کلی این عمل آگاه نبود که «سرمایه حقیقی شخص یعنی کار و کوشش از چنگش بدر میرود»

سستی و بی ارادگی جایگزین آن میگردد سرانجام چاره کار را جز ادامه زندگی مرگبار یا انتحار نمی بیند - مسعود بامید برد فراوان برای اولین بار مرتکب قمار شد از آن پس حرص بردهای فراوان و امید تلافی و جبران باختهای هنگفت او را وادار کرد این کار را تکرار کند.

تکرار قمار رشته افکار بلندش را گسیخت بیچاره آن جدید و فعالیتی که در کارها بخرج میداد از دست داد

استعداد فراوانی که با اراده قوی پرورش مییافت از او سلب گردید - زیرا این عمل جان سوز همه گونه قابلیت و توانائی را تباها میکند و این بالای خانمان سوز با عادات ناپسند و اخلاقیهای زشت که در نهاد حریف بود بعت میسازد خرمن هستی را میسوزاند - «قمار بلائی نیست که تنها مال و ثروت را از بین ببرد بلکه آفتی است که نیروهای جسمی و روحی و اخلاقی را سراسر نابود میگرداند» و بطوریکه بارها شده دیده اشخاص قمار باز اغلب دارای جسمی ضعیف - روحی کسل و خسته و اخلاقی زشت و عصیانی هستند مسعود نیز مانند سایر فریفته شدگان قمار همه چیز خود را در این راه فدا نمود

ناگفته نماند که عنقریب قمار تحفه های گوناگونی بماشقان چشم بسته خویش که وجود و هستی خود را تسلیم معشوق ستمکارشان مینمایند بعنوان جایزه و پاداش تقدیم میدارد و با انواع

عده زیادی از اهالی در اثر قحطی مردند تا آنجا که « شماره کشته شدگان قحطی و گرسنگی بر عده کشته شدگان جنگ افزون گشت در خیابانها فریاد اطفال کوچک که « نان نان » طلب میکردند شنیده میشد سربازان و اشخاصیکه بر برج و باروی شهر با سیاهبخت النصر جنگ میکردند دیگر قوت و قدرت دفاع و حرکت نداشتند. سیاه بابل که از این موضوع مطلع شد و نقصان شدت دفاع را دریافت بطرف برجهای شهر یورش آورد و در چند نقطه آنرا خراب نموده بداخل شهر روی آورد ساکنین را از دم تیغ گذرانده و شهر را طعمه حریق ساخت و دامنه آتش سوزی معبد مقدس آن معبد جلال و افتخار که یادگار شلمو (سلیمان) و نمونه عظمت چندین ساله اسرائیل بود نیز طعمه حریق گشت و این خرابی معبد مقدس اول در تاریخ ۹ ماه آب ۳۱۷۴ عبری مطابق ۸۱۶ ق. م یعنی در حدود بیست و پنج قرن قبل از این اتفاق افتاد.

ترجمه: کرمانیان

تاریخ مختصر یهود

بکشور های دوردست فرستاد.

مهاجرت نموده و برای اولین بار بعد از حضرت موسی (ع) جمعی از یهود در مصر ساکن شدند. و اما بخت النصر در مقابل این عمل ساکت ننشست شهرهای یهودا را بکلی ویران ساخته و هزاران نفر دیگر از ساکنین را

۱۵- طرز زندگی اسرائیل در ایام قدیم

زندگی خانوادگی اسرائیل در ایام قدیم یا کترین و باقاعده ترین طرز زندگی ملل بود اکثر مردها فقط یکزن اختیار میکردند وضعیت زن در خانواده با وضعیت مرد یکسان و مساوی بود زن در خانواده خانم و خانه دار بود نه کلفت و کارکن شوهرش و طلاق دادن وی بدون دلیل و بی مهر کافی حرام و قدغن بود گاهی زنهای در اداره امور اجتماعی در شهرها و دهات و کارهای دولتی در صلح و جنگ شرکت می نمودند فرزندان مطابق فرمان تورا و پدر و مادر و بزرگان خود را احترام می گذاشتند و اوامر خدا و شاه را اجرا مینمودند و در رعایت دستور تورا و (پدر و مادر خود را محترم بدار) بین پدر و مادر تفاوتی قائل نمیشدند دختران تا وقتی که در خانه شوهر نرفته بودند تحت اطاعت و الین خود زندگی مینمودند.

مادر یهودی

آداب و رسوم به مادر یهودی حکم میکند که عصر جمعه بعد از فراهم کردن وسائل کامل روز (شنبه) چراغ شنبه را شخصاً روشن کند - این دستور دال بر اینستکه مادر یهودی فرمانفرمای مطلق و با نفوذ ترین شخص خانواده بوده و هر قدر هم محیط خانواده بزرگ باشد بجزئیات بیکار رسیدگی نموده و با روشن کردن چراغ شنبات آخرین وظیفه خود را انجام و آماده بودن خانواده را برای استقبال شبات اعلام میدارد. زن یهودی مظهر لطافت، عفت و پاکدامنی بوده و تقدس و نجابت و بطور کلی سعادت خانوادگی از نفوذش سرچشمه میگردد. زن یهودی منشأ کلیه کوششهایی است که برای نیل به معنویت و روحانیت بعمل می آید. زن یهودی بهترین مجرم اسرار و بهترین مری و بهترین پرورش دهنده بوده و بدین مناسبت تلمود جمله ذیل را در وصف زن بکار برده است: **ما بین تمام برکات زن بزرگترین برکتی است که خداوند بخانواده عطا می فرماید.**

بمقام « هارتنازولد » عضو مجمع امریکائی - فلسطینی از کتاب « جویش ناتز » چاپ امریکا

بکار کردن بر روی آن مشغول شد و کار فلاح و زراعت وسیله کسب معاش و گذران زندگانی آنان بود و از این زارعین و چوپانان اشخاص بزرگی مانند « شاتول پادشاه » و « داوید پادشاه » و انبیائی چون « ایشاع » و « عاموس » برخاستند ملت اسرائیل بر حسب اقتضای شغل خود اعیاد مهم را که جنبه مذهبی و تاریخی هم داشت از روی مراسم طبیعی فلاح و زراعت منعقد مینمود: یسح یا عید بهار را که عید « خروج از مصر » بود در یازدهم ماه اول بهار بپای آزادی از قید بندگی مصر برای میداشت شاعوت یا عید خرم را که عید « دریافت تورا » بود در سرخرمن یا در روزی که خداوند در کوی سینای فرامین ده گانه را بگوش اسرائیل فرو خواند برایی داشت و مراسم عید سوکوت (سیاه بان) یا عید یائیز را بپای کار ایامی که در بیابان دزدی رخیه مهاجرت میکردند در وقت جمع آوری میوه جات و انگور بجای میاورد ولی کم کم در اثر ایجاد رابطه با ملل تاجر آزمان از جمله فتنه ملت اسرائیل نیز بتجارت آشنا شده و کم کم فنون مختلف آنرا فرا گرفته و با کشتیهای خود محصولات ارس اسرائیل از جمله شراب و روغن و عمل را بمالک دور دست صادر کرده و در مقابل مواد مورد احتیاج و چوبهای قیمتی را بکشور خود وارد مینمودند.

از مجله لندن لایف

ترجمه: العازار کوهن صدق

حفریات اخیر در فلسطین و موافق بودن آنها با مندرجات تورات

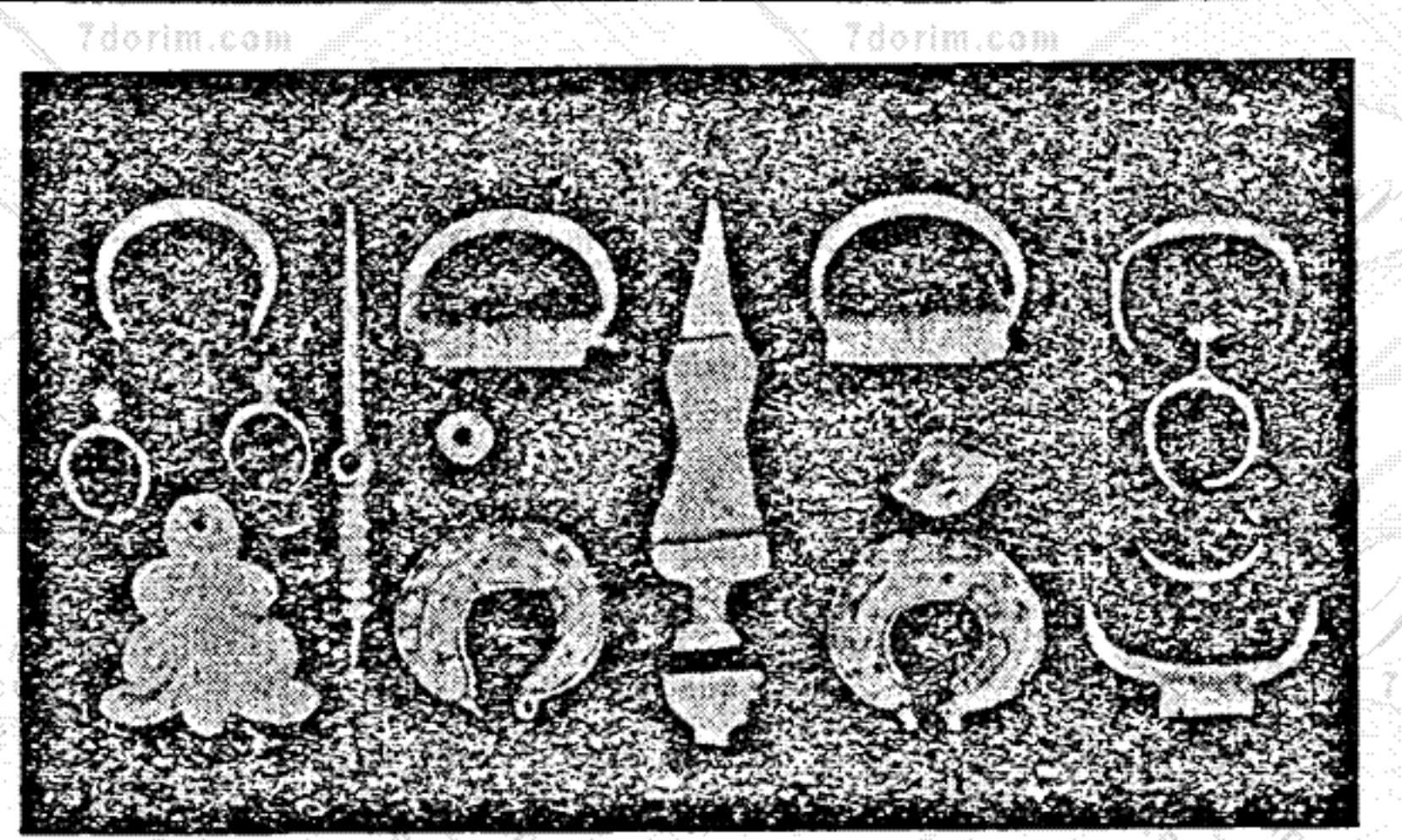
تقریباً از یکقرن پیش بین روحانیون و طبیعیون شدیدترین کشمکشها بر سر مندرجات «تنخ» در گرفته که در مقابل آنها ناچار شده اند مدارک مثبته ای بجامعه عرضه نمایند منجمله مدارکی که بر اثر حفریات و کاوشهای عتیقه شناسان بدست آمده است و با کمال تعجب باید گفت که هر چه مدارک از این قبیل بدست آمده است تمام برله مندرجات کتاب مقدس بوده و حتی یکی هم برخلاف آن کشف نگردیده است.



جوانان باذوق گرانبهارترین سرمایه ملی هستند عالم یهود سعی کرده است همواره از وجود آنها بمنظور اصلاح امور اجتماعی استفاده نماید اینک آقای العازار کوهن صدق عضو هیئت تحریریه عالم یهود که آثار قلمی ایشان را در این نامه خواننده اید بجامعه یهود معرفی میکنیم

تماشای آن رو بین نموده و اظهار داشت که این دیوار ۲۰۰۰ سال قبل از این ساخته شده است و غریب اینجا بود که از کوچکترین ذرات هر سنگی میتوانست بی ببرد که چند سال طول کشیده تا باین صورت در آمده است

یکنفر عتیقه شناس دیگر موسوم به (سر فلیندر پتری) از روی خورده ریز سفال میتوانست بفهمد که در چند هزار سال پیش از این ساخته شده است هنگامی که (پروفوسور گارستانک) مدت پنجسال در شهر یریحو (اریحا) مشغول حفریات بود زنش تقریباً ۲۰۰۰ کوزه سفالی آنجا را شسته و تمیز مینمود در قرن گذشته ۸۰ تبه شکافته شده و مورد حفاری و کاوش قرار گرفتند و حدود شمالی آنها از (دان) شروع میشد و در نقطه جنوبی (بئر شبع) ختم میگردد و بیست و چهار قفره از این حفاریها در داخل شهر اورشلیم یا در حومه های اطراف آن بود... مهمترین کشفیاتی که قابل توجه می باشد نتیجه زحمت مرحوم دانشمند معروف به (مستر جان کرافوت) مدیر مدرسه آناز باستان شناسی اورشلیم بود که در کوه (عوفل) بحفاری پرداخت و موفق شد آبادی های بین رودخانه (سیلو عم) را تا مجاورت دیوارهای کنونی اورشلیم از زیر خاک بدر آورد و بعد معلوم شد که اینجا (شهر داوید) بوده که پناهگاه محکوم بیوسایت بشمار میرفته و حضرت داوود آنرا تسخیر نموده است در این قسمت از حفریات یک سلسله اطاقهایی مشاهده شده که از سنک سخره ساخته شده و از همه آنها مهمتر اطاقی است بطول ۳۰ قدم و بار تقاع ۱۵ قدم و عظمت آن و صنعت کار - گرانی که سعی نموده اند چنین اطاقهایی را در دل سنک بکنند واقفاً قابل ملاحظه است و دانشمندان باین نتیجه رسیده اند که اینجاها باید محل دفن سلاطین یهودا باشند و نیز در این مکان کوچی ای



آلات طلا و جواهراتیکه در شهر «گازا» کشف شده است

بمقام: هارولد شپستون

یافته اند که از (بت همیقداش) شروع شده و منتهی برودخانه (سیلوعوم) میگردد و دارای اطفاقتائی بود که بعضی از آنها هنوز سالم باقی مانده اند و کف آنها از موزائیکهای زیبایی ساخته شده است

در نتیجه فعالیتهای وسیع (پروفور گارستانک) و خانمش در یریحو (اریحا) که مدت ۱۵ ماه بطول انجامید بالاخره معلوم شد که چگونگی دیوارهای آنجا فرو ریختند و نیز اطلاعات مهمی راجع به تاریخ و استحکام و اندازه ضخامت دیوارها و سکنه آن شهر بدست آمده است گویا قصبه کوچکی بود که تقریباً شش یا هفت جریب زمین داشته و قلعه‌های آن خیلی محکم و دود دیوار بموازات یکدیگر ولی بفاصله ۴ متر جدا از هم ساخته شده اند و تقریباً ۸۰ ذرع ارتفاع آنها بوده است

و بسیار احتمال میرود که بر اثر فریادهای بنی اسرائیل ظاهراً تزلزل و شکستگی در آنها پدیدار شده و بعد فرو ریخته اند و نیز معلوم شد که شهر بوسیله آتش سوزانیده شده که بامندرجات کتاب یهوشوع کاملاً تطبیق مینماید

بقایای کاخ سلطنتی آنجا نیز پیدا شده و ضمناً اطفاقی در آن مشاهده نموده اند که تعداد زیادی در آن از کوزه‌های قدیمی وجود داشته که بر از انواع و اقسام خوار و بار از قبیل گندم و نخود و لوبیا و عدس و خرما و فلفل و پیاز خشکیده بوده است از بعضی مقبره های آنجا اشیای گرانبھائی بدست آمده و دریکی از آنها ۷۰ ظرف و مقدار زیادی خرمهره و طلسم و نی استخوانی و اسبابهای کوچک دیگری ساخته شده است در میان آن ظرفها و کوزه‌ها مقداری خوراکی وجود داشته و همچنین چراغی آنجا یافت شده که گویا روشن کرده و بالای سر مرده ها میگذاشتند از قرائن و امارات معلوم شده که هیچکدام از این ظروف سفالی متعلق بدوره‌های پیش از ۱۴۰۰ قبل از میلاد وجود نداشته است و روی همین اصل (پروفور گارستانک) میگوید که این شهر در حدود همان سال بچنگ بنی اسرائیل افتاده است حفاریات جدید روی این قبیل سیستمها بعمل میآیند

در شهرگازا (سرفلیندیرتیری) کاخهائی یافته که دارای حمامهائی بوده اند که با آجرکاشی مفروش بوده و آب جاری داشته اند و سنگهای گرانبهائی در آنجا مشاهده شده است و نیز جواهراتی در آنها یافته که متعلق به ۲۰۰۰ سال قبل از میلاد بوده از قبیل دستبند و گردن بند و خنجرهای طلائی کوچک که بستهای ظرافت ساخته شده است

در سامره (شومرون) پایتخت سابق خاندان اسرائیل نیز کشفیات قابل ملاحظه ای بعمل آمده است نه فقط قصر آحاب را از زیر خاک بدر آورده اند بلکه در خزینه او نوشتجاتی بخط قدیمی روی کوزه های شراب و روغن نوشته بوده که فوق العاده مورد توجه واقع شده است و وقتی که آن نوشتجات را خوانده اند معلوم شده که نام صاحب هر کوزه ای و محل تهیه شراب یا روغن روی آن نگاشته شده است

مثلاً (تاکستان تل) در روی بعضی از آن کوزه ها نوشته شده که گویا اماکن معروف بوده و بعضی از دانشمندان میگویند که این همان تاکستانی است که در کتاب مقدس بدان اشاره شده است

باین ترتیب حفاریات اخیر حقیقت تاریخی را اثبات مینماید و در ضمن اگر اشتباهاتی از طرف مترجمین که این کتابرا بزبانهای دیگری ترجمه نموده اند رخ داده باشد این کاوشها میتواند اصلاح کنند

در آپارتمانهای خصوصی کاخ شومرون که محل سکونت (ایزل)

از شیراز

مقالات وارده

مؤسین محترم عالم یهود و محرک افکار اسرائیل درود بر شما باد و از درگاه خدای نجات دهنده اسرائیل سعادت برادران عزیزم را خواستارم مدتی است این مجله مقدس را در شیراز خریداری نموده و با مطالعه آن احساسات درونی را تسلی میدهم و بشعله عشق بوطن، بوطن عزیزم میافزایم افسوس از نادانی و کم علمی قادر باظهار کلیه آمال و احساسات ملی خود نیشام همینقدر بدانید حاضرم حتی جان ناقابل خود را در راه ترقی و پیشرفت و کمک به آزادی نوع خود تار کنم ولی چه سود قابلیت چنین عملی را ندارم و از فرط مشغله خانه داری و یادداشتن ۶ بچه از ۹ ساله الی ۱ ساله و نداشتن بنه کافی نمیتوانم قدمی جلو تر بگذارم ولی از بچه‌گی که درصفهان مدرسه کالج تحصیل میکردم ام قلبی فوق العاده قوی و پرهیجان در خود نسبت بملت مقدس اسرائیل دنیا احساس مینمودم و اکنون هم که ۲۹ سال از عمرم میگذرد آن افکار را قوی تر و زنده تر مشاهده میکنم چنانکه بعضی اوقات از شدت افکار میلرزم چرا که میخواهم فریاد کنم و این ملت خواب آلود و محکوم را بیدار کنم تا بگویند بجوشند از جان و مال گذشت کنند و بداد یکدیگر پرسند تا شاید راه حلی پیدا شود و استقلال و آزادی نصیبان گردد بگمک خدا - همینقدر میدانم خدمت در راه پیشرفت مقاصد هم قابلیت میخواند اکنون هم تا میتوانم و جان دارم آماده کوچترین خدمتی میباشم

برای استحضار خاطر برادران عزیزم اولین اقدامی که در شیراز نمودم این بود چون زنهای بیچاره شیراز بوضعیت رقت آوری در آب فوق العاده سرد و گاهی منجمد تویلا مینمودند مدتی ب فکر اقدام که بوضع مرکب کارخانه دهم اولاً بعد از متوسل شدم ولی متأسفانه هیچ جوابی دریافت ننمودم تا اینکه ۶ نفر زنهای نسبتاً خیر خواه و محترمی را دعوت نمودم و مشغول پول جمع کردن شدیم تا توانستیم حوض گرم و آبرو مندی در گرم خانه حمام بسازیم هر چند این کار فوق العاده ناچیز بشمار میرود ولی در این محیط شیراز که حتی سابقه آنرا کاملاً دارد کار بزرگی محسوب میشود و خدا را صد هزار بار شکر میگویم که مرا موفق گردانید

فدای استقلال مهن « عشرت کهن »

عالم یهود - نظیر این نامه پر شور از اکتاف کشور با ما میرسد که همه دارای احساسات مهن پرستی و تعاون است امیدواریم جوانهای اسرائیل شیراز زودتر از خود و رکود در آیند

فضول خان

خلاصه برات خود مونی بگم میخوای بگی ما هم بلدیم عامیونه بنویسیم اما انشاء الله اگر دوسه دفته دیگه تو این دفترچه بنویسی نویسنده گون بابا شمل توجیب میزاری ولی رفیق جون منگه فقط امضای فضولباشی را میثناسم بهت میبگم چون من خودم گون میکنم کمی اهل کار باشم و واسه اینکه نوشته های عامیونه را دوست دارم همیشه مال تو را میخونم خوشمزه این جاست که این مثل و برات بگم دست بالای دست بسپاره منم خواستم بخورده فضول «فضولباشی» بشم و کمی تو را نصیحت کنم داداش گون میکنم هر وقت میخوای چیزی برای این دفترچه بنویسی و بفرسی خیلی کوکت بیره و چون رج اول و رودس نویسنده گان بابا شمل میزنی ولی هر برج از نوشته هات را که میخونم و یابین میرم مثل کر مافون کوکت کم کم خالی میشه و بعبارت ملق میفتی اگر قبول نداری خودت به دفته دیگه اندرزهای حکیمونه خودت و بخون و مواظب باش از (حتی خواهی گفت) را خوب بخونی بینی که قشنگ مثل آدمیکه لال باشه و کم کم بزبون بیاد تو هم مثل این شدی

فضول « فضولباشی »

پاسخ انجمن روحانی

بنامه سرگشاده آقای نصیر لایوان

آقای نصیر لایوان از بروجرود و صدها امثال ایشان از جاهای دیگر تقاضا کرده اند که برای توسعه و ترویج زبان عبری اقدام تألیف و طبع فرهنگ عبری بفراسی شود و اینکار هم توقع دارند بدست انجمن روحانی انجام گیرد

همانطور که انجمنها و باشگاههای مختلف بجهت مخصوصی (از لحاظ صوبینستی و ملی و تجارתי و غیر آن) آموختن زبان عبری را واجب شمرده و قویاً توصیه کرده اند و حتی کلاسها برای این منظور دایر نموده اند انجمن روحانی هم بدلائل مخصوص خود طرفداران خود را به آموختن این زبان تشویق نموده و مینماید

و آن دلائل اینست:-

(۱) با آموختن عبری از تاریخ باستانی و کیفیات مذهبی و احکام شرعی خود مطلع و اگر در ترجمه اصطلاحات ضمن کتابهای تعلیمات مذهبی اشتباهی شده باشد واقف میشویم

(۲) با آموختن عبری معنی نمازهای خود را درک کرده می فهمیم که با خدایچه میگوئیم و از وی چه برکات روحانی یا جسمانی را طلب مینمائیم

این نکته نیز قابل بحث است که داشتن فرهنگ عبری بفراسی برای اسرائیل ایرانی از ضروریات درجه اول است و منظورهایی مختلف ما و دیگران را زودتر تأمین میکند

پس ما و دیگران با یک دل و یک صدا خواهان چنین فرهنگی هستیم اما در این مقاله مختصر میخواستیم ثابت کنیم که خواستن آنها توانستن نیست . خصوصاً اگر خواستن صرفاً بمعنی آرزو کردن و از دیگران توقع انجام کاری را داشتن باشد

تهیه یک فرهنگ متوسط عبری بفراسی که منظور ما را تأمین نماید دوره بیشتر ندارد

اول ترجمه مستقیم یکی از فرهنگهای عبری بانگیسی یا عبری بفرانسه و امثال آنها که در فلسطین و جاهای دیگر موجود است بزبان فارسی دوم تألیف یک فرهنگ متوسط عبری بفراسی هر چند قسمت اعظم این کار نیز ترجمه خواهد بود زیرا ماخذ لغات عبری را ناگزیر خواهیم بود از همان فرهنگهای موجود در آورییم

برای مبادرت بهر یک از دوشق نامبرده فوق اقدامات و وسائل ذیل ضروری است و اشخاص ناگزیرند حسابهایی را هم بشرح زیر مورد نظر قرار دهند:-

۱- انتخاب یک یا چند نفر اشخاص صلاحیت دار برای اشتغال به ترجمه یا تألیف و دادن حقوق یا مدد معاش کافی بانها تا اینکه کلیه یا اقلاً نصف ساعات روزانه خود را برای این امر مهم مصروف دارند والا اگر بنا باشد متصدی این کار بطور تفریحی یا هر وقت دلش خواست دقایقی چند روی آن صرف کند باین زودی ها بترکستان هم نخواهیم رسید

ضمناً باید دانست که تهیه یک چنین فرهنگی مانند سایر فرهنگ های دوزبانه پنج عامل مهم لازم دارد اول دانستن عبری بطور کامل دوم دانستن فارسی صحیح و فصیح که کتابرا در انظار دیگران آبرومند سازد سوم دانستن انگلیسی یا فرانسه یا امثال آن چهارم تخصص در دستور زبان یعنی صرف و نحو مشترک زبانها پنجم دارا بودن فن فرهنگ نویسی که بنزله فوت کاسه گری آنت است

حال اگر نخواهیم شخص واحد را برای این کار در نظر

چرا میخوایم آموزگار شویم

بسی چه باعث شهرت نام آنان شد تنها نوشته‌های ایشان که بصورت کتابی درآمده و در دسترس اهلس ادب گذارده شده است باعث شهرت و افتخار ایشان گردید کتب

من شغل آموزگاری را دوست می دارم از دوران کودکی خود که بدبستان میرفتم تاکنون همواره آرزویم این بوده است که روزی آموزگار شوم .

البته بدیهی است هر کس در زندگی برای تأمین آسایش آتیه خود باید بجزیره‌ای مشغول شود .

برای اینکه ترقی و پیشرفت نماید بهتر آنست که با میل وافر و رغبت زیادی اقدام به آن پیشه کند از اینرو میتوانم بگویم با پیشه‌ای که در نظر دارم آتیه درخشانی منتظر من است زیرا گذشته از اینکه علاقه مفرطی بآموزگاری دارم همیشه حس کمک بنوع در نهادم مرا تحریک میکند گویا کسی از عالم غیب بمن امر میکند که برای خدمت بجنس خود و ترقی نوع بشر از اینراه وارد مرحله جات و زندگی شو تا از برکت و فیض الهی بهره‌ور گردی .

هر وقت اسمی از آموزگار نزد من می‌آوردند گویا دنیائی را بمن داده‌اند زیرا یک شمع و سرور زاید الوصفی بمن دست می‌دهد که از توصیفش عاجزم بارها پیش خود فکر کرده‌ام اگر بخوام بنوع خود خدمت کنم نه تنها از راه آموزگاری بلکه از

هزاران راه دیگر میتوان این کمک و خدمت را انجام داد ولی در همان لحظاتی که در این افکار غوطه ورم اندیشه ای دیگر در غیله ام نقش می‌بندد که مافوق تمام این افکار است و اگر اغراق نگفته باشم میتوان از اینراه شهری بدست آورد و نامی یادگار گذارد . مگر سعدی ، نظامی ، حافظ ، عنصری ، و آنانیکه همیشه نامشان در خاطر جهانیان است از روز ازل دارای معلومات کافی و صاحب کتاب و یا نیکنام بوده‌اند ؟ خبر .

بگیریم باید منتظر شویم تا از مادر متولد شود و اگر چند نفر را بخوایم بکار بکاریم اشکالات بودجه ای و غیره چندین برابر خواهد شد . شما که انجمن روحانی را مخاطب قرار میدید و ناچار مختصر عقیده‌ای هم بترویج مرام آن دارید آیا تجویز خواهید کرد که انجمن با آنکه فملا هفته ای چندین ساعت از اوقات اعضای آن صرف اجرای مرام و تشکیل جلسات سخنرانی و غیره می‌شود کلیه کارهای مستقیم خود را کنار گذارده مشغول همین یک کار شود ؟

۲ - فراهم کردن وسائل کار که قسمت عمده آن حروف کامل عبری با اعراب است که در این شهر بقدر کفایت وجود ندارد و اشکالات تهیه آنرا همه میدانند (قطع نظر از اینکه چاپخانه مخصوصی نیز باید برای این منظور دائر شود)

۳ - تهیه مبلغ هنگفتی بوسیله پیش فروش چند هزار جلد یا وسائل فوق‌العاده مشکل دیگر یا از یک محل غیبی تا اولاً حقوق تألیف کنندگان از آن محل داده شود

زن

آنچه در اینجا گفته میشود از افکار بزرگان تراش نموده

کورتین - زن هیچوقت آنچه را برایش میکنند نمی بیند . ولی کارهایی را که برایش نکرده اند همیشه بخاطر دارد .

ولتر - زن شیبه فرزه است بهر بادی میچرخد گوستاو فلور - یک قلب ساده را فقط در وجود زن میتوان یافت .

سنت اورموند - فداکاری آخرین نشانه عشق زن است .

نلسن - طبیعت زن مانند دریائی است که کوچکترین وضعیتترین فشارها در آن مؤثر است . و بزرگترین سنگین ترین بارها را نیز تحمل میکند .

تیتو - زن قلبی دارد پر از اسرار که هیچ زبان شرح آنرا نمیتواند داد .

گرگوری ماسون - زن بخاطر ازدواج مرد را میبیرد و مرد بخاطر زن ازدواج را قبول میکند .

بل فویر - هر بجنندی که زن میزند مردی را بیچاره میکند .

یاداش را در درگاه ایزد پاک دارا خواهد بود آری من آرزو دارم فدای وظیفه شوم و بطور قطع در ایفاء وظیفه چنان جدی هستم که حتی آسایش و راحتی را بر خود حرام خواهم کرد زیرا وجدان را آمر خود قرار داده‌ام و وجدان بمن امر میکند از راه آموزگاری بدیگران کمک کنم و آرزویم را بر آورده سازم شد آموزگاری از آن پیشه‌ام که بهبود خلق است اندیشه‌ام دوشیزه پری باروخیان

عالم یهود موفق باشید .

و ثانیاً مخارج کاغذ و چاپ و لوازم دیگر تأمین گردد بدیهی است مباشرت این کار را انجمن روحانی میتواند افتخاراً عهده دار شود اما با کدام بودجه میتواند ماله آنرا اداره کند ؟

آری توقعات زیاد و انتظارات بیشمار است اما حساب هم خوب چیزی است در خاتمه یک مورد از اقدامات انجمن روحانی را بطور نمونه ذکر می‌نماید : دوسال است انجمن مبادرت به انتشار یک تقویم عبری (که در واقع چهار تقویم میباشد) نموده است . ساعاتی که چند نفر از اعضای انجمن برای گردآوری و تنظیم و پاکتوس و نوشتن آیات منتخبه و یاورنی های آن و مباشرت در طبع و صحافی آن صرف میکنند به برادران و خواهران بیشکش ؛ اما آیا پولی که خرج خود تقویم میشود از راه فروش تقویم بصدوق انجمن بر میگردد ؟ تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجل !

با همه این احوال هاتف غیبی میگوید : « در نومیدی بسی امید است » از طرف انجمن روحانی « س . حیم »

بعد از انتشار مقاله آقای سرگردان و مقاله آقای فرهنگ رین مقاله های فراوان از طرف جوانان اسرائیل و برادران ایرانی ما رسیده که برای نمونه یکی از آنها را درج میکنیم و این بهترین نمونه به زنده بودن روح جوانان است .

آقای فرهنگ رین

توهین و سیاهی شما را خواندم از اینکه شما با اطمینان ندارید ؛ و همچنین از اینکه نشریه عالم یهود صفحات معصوم خود را اینگونه معصومانه در اختیار شما میگذارد انگشت حیرت بندگان گردیدم زیرا بعقیده شما از ما باید ترسید و از ما باید فرار کرد زیرا حزب ایران ؛ ما را خوب شناخته است ...

اولاً میخوام بشما عرض کنم من سرگردان نیستم بلکه یک دانشجوی یهودی میباشم که فعلاً مانند سایر رفقای دانشجوییم از کاملاً ملی بودن حزب شما مطمئن نیستم مگر اینکه ...

و ضمناً میخوام مطالب همگنم عزیزم آقای سرگردان را تأیید کنم زیرا من هم بنوبه خود حزب ایران را مجلس انسی بیش نیدانم و اگر بجز این بود ما را هم در شادند و مصائب و بدبختی هائی را که گلوی قریب با اتفاق ملت ایران را میشارند با خود شریک میدانستید .

مگر بعقیده شما مفاسد خارجی و عوامل طبیعی از هر قبیل یکسان ما را در مضیقه نگذاشته‌اند مگر ما نان سیلو نخوردیم و از بغوس نردیم ؟

مگر در بسیاری از ایام شدید استثنائی برای ما قائلند و ایقاف و فساد ویسوادى از جامعه یهود ایران رخت بر بست ...

آقای رین اینگونه استدلالات را برای خودتان نگاهدارید که میگوئید اگر بفرض محال حزب ایران جنبه ضد یهودی داشته باشد نمیتوان آنرا فاشیست دانست ... پس فاشیست بودن در قاموس لغت شما چه معنی دارد ؟

مگر نه اینست که فاشیست ها بحقوق سایر ملل تجاوز کردند آیا بعقیده شما ملت یهود از آنگونه ملل نیست ... ؟

شما برای خود ژاپون فاشیست را دلیل می‌رسانید در صورتیکه همان ژاپون اگر یهودیان مترقی و فعال و پاداشتن مرام ها و مسلک های روشن کما یهودیان اروپا

در اطراف خود پراکنده میدید کاسه گرمتر از آتش میشد . تجاوز تجاوز است بحقوق یک ملت یا تمام ملل . دزدی دزدی است از هر جا و هر مکان و بهر وسیله‌ای که میخواهد باشد . شما میگوئید یهودیان بیشتر با اصول سرمایه داری سر و کار دارند .

آیا بعقیده شما گردیدن باین اصول معلول محرومیت های بیشاری که امثال شما برای آنان فراهم آورده‌اند نیست وانگهی مگر نینداید سرمایه داران ما نیز مانند سایر یولداران و فئودالهای ایرانی در اقلیت صرف واقفند و شاید تعداد آنها انگشت شمار باشد و ما هم چون شما از آنها متنفر و بیزاریم و فقر و فساد کلی بر ما نیز حکم فرما می‌باشد و ما نیز تلفاتی در زیر آوار ها داده ایم . شما میگوئید در واقعه شهر یور ارامنه بادسته گل پیشواز شوروی ها که در آنوقت مهاجم بودند میشتانند . اولاً متفقین طبق اعلامیه صادره در آنوقت مهاجم نبودند بلکه مهمان بودند دوم مارس و ۶ ماه مه مؤید این نظر است و ثانیاً مگر نه اینست که آزادیخواهان حقیقی این واقعه را میمون میدانند مگر از همین روز نبود که صفوف متشکل آزادی خواهان که شما نیز خودتان را جزو آنها میدانید ایجاد گردیدند مگر برده ارتجاع در آرزو دریده نشد ؟ آقای فرهنگ رین باین زودی فراموش کرده‌اید که شما لیدر های آزادیخواهان حقیقی در همین روز از زیر یوغ و اسارت و بیخه ظلم و حبس و تبعید نجات یافته و جانی تازه گرفتند اگر این است با دست گل پیشواز رقتن خیانت نیست که شما تصور میکنید و آنگهی از مقاله شما اتخاذ سند می‌کنم که حکومت یست ساله مردم را از متفقین عزیز ما ترسانده بودند اینست که تمام آزادیخواهان توانستند در این امر با برادران ارمنی خود شریک باشند .

در این مورد میتوان گفت اگر بنا به نوشته شما جامعه ارامنه ایران مبادرت به چنین عملی کرده اند تشخیص آنها بهتر و صائب تر از سایر ایرانیان بوده که هنوز بمذاز چهار سال زیر پرده و لباس ملت و میهن حزب « ناسیونال سوسیالیست » تشکیل میدهند .

همگنم عزیزم دلم میخواد بدانید منم مثل شما و امثال شما در سایه پرچم سه رنگ سرود ملی خواننده ام و شاعر ملی خود را دوست میدارم و رفقای دانشجوی من میدانند که یکی از میهن پرست ترین جوانان این زاد و بوم هستم و دلی هم دارم که باشعائر و اختراعات ملت تاریخی ایران شاد گردیده و برای آنها بطیبه و خدای اسرائیل شاهد است که نظری جز ترقی و رفاه ملت ایران که آرزو و آزادی همه ما در آنست ندارم ولی اینگونه عوامل که شما و امثال شما مولود آنها هستید احساسات امثال مرا جریحه دار میکنند و اگر شما خودتان را کاملاً ملی میدانید کنار نکشید و دویت نیاندازید و اگر اشتباهی در طرز روش ما می‌بینید بدانید که آنها مولود عوامل خارجی است . سعی کنید ما را بیشتر بملت ایران نزدیک کنید و اگر آزادی خواه حقیقی هستید با همین روش متشکل میشویم والا بدانید که هیچوقت موفق نخواهد شد ...

و اگر اینگونه تذکرها یغیر صانه و مفید ما را توهین و سیاهی میدانید و اگر بیبانه اینکه در واقعه شهر یور متفقین بیشتر از یهودیان استخدام میکردند ما را طرد می‌کنید بیراهه پیوده‌اید چه طبق آمار دقیق تعداد کارمندان یهودی در این قضیه بازم خیلی کمتر از برادران مسلمان خود میباشد و ثانیاً برادران مسلمان ما همگی کارمند اداره و صاحب کار بوده اند فقط یهودی بود که از هر طرف نا امید شده از هر دری بدری برای پیدا کردن قوت لایبوت روی آور میشد .

عزیزم ما بیشتر از شما در ایران سابقه درخشان تاریخی داریم و آزادیخواهان حقیقی از ما استقبال کرده و با آغوش باز میپذیرند زیرا ما بیش از دیگران رنج دیده و محنت کشیده هستیم . آزادیخواهان حقیقی بیاید تا شرائطی ایجاد کنیم که ایران مترقی و ایرانی سرفراز شود ... آنوقت دیگر سرگردانی ادامه نخواهد داشت . « ایلاس مظلومی - ارومی »

نشانی دفتر

تهران

خیابان سه مقابل پستخانه

عنوان تلگرافی

«هاعولام»

عالم یهود

تجدید و احیای یهودیت

شنبه ۱۲ اسفند

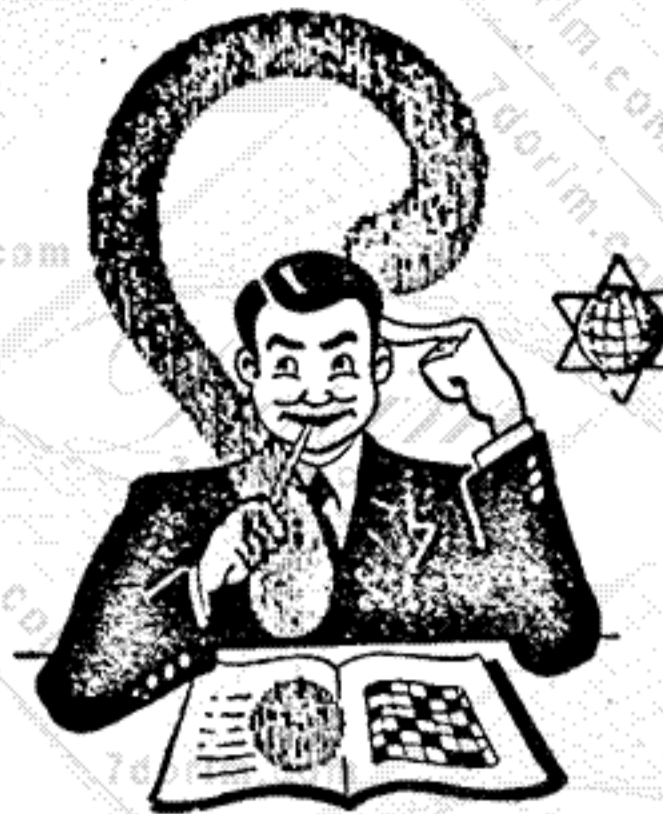
۵۷۰۶

ماه زیال

قسمت

۲۹

نتیجه مسابقه « حیوان و عضو بدن »
 قدمت ۳۳
 پاسخ نام حیوان خرچنگ عضو
 برده شده اسپرز
 از تهران: دوشیزه مونس تهرانی،
 مهین دائی و نورانی تهرانی، ناصر بن لوی،
 نصیر نسیانان، وحید نهوری، جمشید یاشار
 و عبدالله دقیقان.
 از شهرستانها: دوشیزه فرنکیس
 استوار ربانی و آقایان ماشاء الله خاخم زاده،
 صیون کرمانی زاده، یعقوب پودو ملابری، صیون کهن، ربیع همدانی
 حق نظر شرکاء، فیض الله ناشی زاده، شهاب هارونی، یعقوب نظیری،
 یوسف قانونیان، رحمن فرحزاده، شعبان خلیلی، ایرج یاشار، اسمعیل حیاتی
 و ربیع زکان.



تاجر و محافظ

تاجری فرانسوی قصری در بیرون شهر
 پاریس داشت و شخصی را برای محافظت آن در
 شب ها گماشته بود و معمولاً صبحها با ترن شماره ۱
 از شهر بدانجا میرفت و عصر با ترن شماره ۲
 پشهر بر میگشت عصر یک روز که میخواست پشهر
 بر گردد محافظ قصر گفت من دیشب خواب دیده ام
 اگر با ترن شماره ۲ بر کردی خطری متصور
 است تاجر با ترن شماره ۱ برگشت و در شهر شنید
 ترن شماره ۲ از خط خارج شده و تمام مسافری
 آن تلف شده اند فوری بقصر برگشت و محافظ را اخراج کرد.
 خوانندگان گرامی اگر دلیل اخراج محافظ را میدانید با یک
 ریال تمبر دلیل آنرا برای ما بفرستید ما هم در عوض ده شماره عالم یهود
 بحکم قرعه بیرنده میدهم.

در جدول مقابل اعداد از ۱ تا ۱۶ را طوری
 بکنجانید که حاصل جمع افقی، عمودی، مایل،
 برابر ۳۴ گردد در صورتیکه اعداد دومرتبه
 تکرار نگردد.

این جدول را حل نموده با یکریال
 تمبر بفرستید.
 طرح کنندنده لطف الله
 نامی - تهران -
 بحکم قرعه بدو نفر از شرکت کنندگان هر یک ۱۰ قسمت عالم
 یهود جایزه داده میشود.



آقای سالار تیزابی از خوانندگان با ذوق عالم یهود شکل بالا
 را ترسیم نموده برای ما ارسال داشته اند که بسابقه بگذاریم.
 اینک از خوانندگان دعوت مینمائیم که در این مسابقه شرکت نموده
 و اصل شعر را با یک ریال تمبر برای ما ارسال دارند البته ما هم بدو
 نفر از شرکت کنندگان بحکم قرعه ۱۰ قسمت عالم یهود جایزه خواهیم داد.

آقایان مشتری محترم عالم یهود در

آبادان و همدان

برای تسریع در رسیدن عالم یهود به آقایان مشتری در آبادان
 بوسیله آقای شمعون امونا و (در همدان) بوسیله آقای صالح طبریانی
 نمایندگان عالم یهود توزیع خواهد شد خواهشمند است برای
 پرداخت آبونان و دادن آگهی و سایر مقررات ایشان مراجعه ننمایند.

شرکت سهامی چاپ

برندگان بحکم قرعه از تهران دوشیزه مهین دائی و از شهرستانها
 آقای شهاب هارونیان.

حل کنندگان جدول عددی قسمت ۳۴

از تهران: دوشیزه ع. خاخمی، مهین دخت یاشار و آقایان
 هوشنگ بن حبیب، سلیمان یاشار، ناصر لوی، یونس نهوری، حبیب الله
 ناقی، ایرج بشدادی پور، خلیل میطاحی، یعقوب اسحق زاده، صیون خاخم،
 منصور کهنیم.

از شهرستانها: آقایان موسی یهودانی، نجات الله نظریه، میرزا
 آقا اسرائیلی، صیون کرمانی زاده، خلیل مکانیک، ماشاء الله خاخم زاده
 برندگان از تهران منصور کهنیم.

از شهرستانها آقای موسی یهودانی (توسرکان)

نتیجه مسابقه « کیست آن دانای نادان » قسمت ۳۴
 باین مسابقه جوابهای زیادی رسیده که بنسبست شرکت کنندگان
 زیاد از درج اسامی آنها خود داری میکنیم.
 برندگان از تهران - امیر اسبست
 و از شهرستانها یعقوب منشی میباشند
 پاسخ: کتاب است

نتیجه مسابقه امروز چه روزی است قسمت ۳۴

چون هنوز جواب بمقدار کافی نرسیده لذا مسابقه يك ماه دیگر
 تری تمدید میشود.

آگهی

نظریاتی که اخیراً نامه های زیادی درباره خلی از مسائل شرعی
 که حل و فصل آن بهمهده محاضر رسمی است بانجمن روحانی واصل شده
 که خارج از حدود مرام این انجمن است لذا با اطلاع عموم برادران میرسانه
 که از مراجعه این قبیل امور خودداری فرمایند که بلا اقدام خواهد مانه
 زیرا مرام این انجمن فقط اثبات دیانت و بحث در مسائل روحانی و اخلاقی
 است از طرف انجمن روحانی تهران س. ح. ۲ - ۳

